



## تبیین قرآنی اندیشه مقاومت

در کلام آیت الله خامنه ای

#ملت\_امام\_حسین\_علیه\_السلام - #ملت\_توقفناپذیر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راهبر و شخصیت



زبان تبلیغات اسلامی

## الهیات مقاومت

تبیین قرآنی اندیشه مقاومت

در کلام آیت الله خامنه ای

تهیه و تنظیم: اداره کل راهبری پیام

آدرس: تهران ، ضلع جنوب شرقی میدان فلسطین ، پلاک ۲۸

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۳۳۴۳

[www.nehzat.ir](http://www.nehzat.ir)

• همه حقوق محفوظ است.

## فهرست

- ۸..... معنای مقاومت
- ۹..... صبر یعنی مقاومت
- ۱۰..... مقاومت؛ با چشم باز به سمت هدف حرکت کردن
- ۱۱..... مقاومت یعنی دعوت و استقامت
- ۱۲..... مقاومت یعنی پایبندی به ارزش ها
- ۱۲..... توأسی به صبر؛ دعوت عمومی به مقاومت
- ۱۴..... مقاومت یعنی با روحیه حرکت کردن و ادامه دادن
- ۱۶..... مقاومت به منزله جهاد کبیر
- ۱۷..... مقاومت زمینه نزول امداد الهی
- ۱۸..... مقاومت؛ مصداق بزرگ تقوا
- ۱۹..... مقاومت یعنی عدم توقف پذیری در برابر موانع
- ۲۱..... عوامل مقاومت بخش
- ۲۲..... امید؛ عامل اصلی مقاومت
- ۲۳..... مقاومت جز در سایه ایمان به خدا ممکن نیست
- ۲۴..... عزت؛ عامل تعمیق مقاومت
- ۲۸..... عقب نشینی نکردن زمینه امداد الهی

ایمان و عمل صالح؛ راز مقاومت ملت ها..... ۳۰

## شرایط تحقق مقاومت..... ۳۲

موقت بودن رنج های مقاومت ..... ۳۳

نقش بشارت شهدا در استحکام مقاومت ملت ..... ۳۴

پیروزی نیروی مقاوم اندک بر عده زیاد دشمن..... ۳۶

پایان ناپذیر شدن مقاومت ..... ۳۷

سنت الهی در پیروزی قطعی مقاومت..... ۳۸

عدم امکان مقاومت بدون خطرپذیری..... ۳۹

روشن بودن نتیجه رنج های مقاومت ..... ۴۰

بروز نیروی مقاومت در قیام لله ..... ۴۱

نقش تقوای شخصی در مقاومت ورزی ملی..... ۴۲

امکان مقاومت در اسلام نظام ساز..... ۴۲

تحقق وعده های الهی کوچک؛ نشانه تحقق وعده های بزرگتر ..... ۴۳

پیروزی قطعی در صورت حسن ظن به خدا..... ۴۵

## آثار و پیامدهای مقاومت..... ۴۷

پیشرفت؛ ثمره مقاومت ..... ۴۸

مقاومت عامل نشان دادن انفعال دشمن..... ۴۹

- مقاومت؛ عامل سلب اندوه و ترس از انسان و جامعه ..... ۵۰
- گشودن درهای فَرَج الهی به شرط مقاومت ..... ۵۱
- استمرار راه انقلاب با مقاومت و پایداری ..... ۵۲
- مقاومت شرط لازم برای فتح قله حاکمیت دین خدا ..... ۵۳
- مقاومت؛ راه جلب معیت الهی ..... ۵۴
- مقاومت راهکار برداشته شدن آفت حزن و ترس ..... ۶۱
- اهل مقاومت؛ پیروز نهایی اند ..... ۶۲
- اگر مسلمانان مقاومت کنند بر همه قدرت طاغوت پیروز می شوند ..... ۶۳
- پاداش الهی در صورت مقاومت کردن در برابر دشمن ..... ۶۴
- مقاومت در برابر دشمن موجب عقب رفت اوست ..... ۶۵
- مقاومت؛ شرط ناامیدسازی دشمن ..... ۶۵
- مقاومت؛ شرط اول پیروزی ملت ها ..... ۶۶
- پیروزی قطعی جبهه حق در صورت تداوم مقاومت ..... ۶۷
- مقاومت در برابر استکبار عامل جلب رحمت الهی ..... ۶۹
- مقاومت، عامل رسیدن کمک های غیبی ..... ۷۰
- مقاومت همراه با ایمان، عامل پیشرفت و پیروزی ..... ۷۰
- ایمان همراه با مقاومت، لازمه پیروزی ..... ۷۲

## مقاومت ملت ایران..... ۷۳

ملت ایران؛ امت الگوی مقاومت..... ۷۴

تعلق نصرت الهی به مقاومت ملت ایران..... ۷۵

ظهور نصرت الهی در تجربه مقاومت ملت ایران..... ۷۶

پیروزی مقاومت ملت ایران؛ نشانه تخلف ناپذیر بودن وعده الهی ۷۷

حصول دستاوردهای درخشان جمهوری اسلامی در سایه مقاومت ۷۸

جمهوری اسلامی، دولت مقاومت است..... ۷۹

## الگوها و ظهورات مقاومت..... ۸۲

خداوند مظهر کامل مقاومت..... ۸۳

مسجد به عنوان هسته و پایگاه مقاومت..... ۸۴

مقاومت در راه حق، درسی از بعثت پیامبر ﷺ..... ۸۶

ایام الله؛ نشانه هایی برای اهل مقاومت..... ۹۲

## عواقب ترک مقاومت..... ۹۵

تشدید مشکلات در صورت دست کشیدن از مقاومت..... ۹۶

بازگشتن دوران ذلت در صورت عدم مقاومت ملت ها..... ۹۷

ذلت؛ نتیجه ناشکری نسبت به نعمت مقاومت..... ۹۸

آفت مقاومت؛ قانع شدن به دستاوردهای میانه راه..... ۱۰۱



بخش اول  
معنای مقاومت

## \* صبر یعنی مقاومت

به نظر ما، این توسل و تضرع، در همه‌ی عرصه‌های حیات، به عمل می‌انجامد. اگر این توجه به خدا باشد، رکود، سکون، ناامیدی، بازگشت به عقب و توقف در عرصه‌های گوناگون حیات وجود ندارد. لازمه‌ی عمل هم صبر و توکل است. شماها مسئولان کشور هستید در بخشهای مختلف؛ کارهای زیادی برعهده‌ی شما است؛ کارهای شما، هم کار دنیا است، هم کار آخرت؛ یعنی وقتی به انجام وظیفه‌ی خود می‌پردازید، هم دارید دنیا را آباد می‌کنید، زندگی را آباد می‌کنید، هم دارید باطن و درون خودتان را آباد می‌کنید. این عمل - که هم عمل دنیائی است، هم عمل اخروی است - احتیاج دارد به دو عنصر: صبر و توکل. آیه‌ی شریفه‌ی قرآن می‌فرماید: ﴿نعم اجر العاملین. الذین صبروا و علی ربهم یتوکلون﴾.

صبر یعنی پافشاری، پایداری، مقاومت، ایستادگی، هدف را فراموش نکردن. فرمود: ﴿ان یکن منکم عشرون صابرون یغلبوا مئتین﴾ در میدان نبرد، در میدان رویارویی با دشمن، اگر صبر داشته باشید، میتوانید با این نسبت بر دشمن غلبه پیدا کنید. مکرر عرض کرده‌ایم؛ در عرصه‌های گوناگون جهانی، درگیری‌ها غالباً جنگ اراده‌ها است؛ هر طرفی که اراده‌اش

زودتر ضعیف شود، شکست خواهد خورد. صبر یعنی این عزم را، این اراده را نگه داشتن، حفظ کردن. توکل هم یعنی کار را انجام دادن و نتیجه را از خدا خواستن.<sup>۱</sup>

## \* مقاومت؛ با چشم باز به سمت هدف حرکت کردن

اسلام این راه را به ما نشان داده است، با هدایت اسلام است که ما به نظام جمهوری اسلامی رسیدیم؛ بعد از این هم به توفیق الهی همین جور خواهد بود. این دشمنی‌ها متمرکز و متوجه به اسلام است؛ اگر چنانچه اسلام را از این نظام گرفتند و حذف کردند، آنچه ناشی از اسلام هم هست، به طور طبیعی حذف خواهد شد یا تضعیف خواهد شد یا کم‌رنگ خواهد شد؛ با این نگاه باید مسائل را تحلیل کرد. صف‌بندی‌هایی وجود دارد در دنیا و در بسیاری از این صف‌بندی‌ها ما یک طرف قضیه هستیم؛ باید ببینیم طرف مقابل ما کیست؟ چیست؟ چرا دشمنی میکند؟ ما چرا در مقابل او مقاومت میکنیم؟ اینها را با یک نگاه کلان باید دید. فرمود: ﴿أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾؛ معنای ﴿سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ همین است که با چشم باز، با بصیرت، با بینش، با ملاحظه‌ی همه‌ی جوانب، ببینیم که هدف چیست و راه [رسیدن] به این هدف چیست و واقعیاتی که در سر راه ما وجود دارد، اینها چیست؟ با توجه به اینها تصمیم‌گیری کنیم و حرکت بکنیم.<sup>۲</sup>

۱. در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۲/۰۴/۳۰

۲. در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۲/۰۶/۱۴

## \* مقاومت یعنی دعوت و استقامت

بنده بارها گفته‌ام، هر کاری که آمریکا و نظام سلطه‌ی همراه آمریکا، درباره‌ی ایران و علیه ایران و ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی می‌توانستند انجام بدهند، انجام داده‌اند؛ هر کاری نکردند، چون نمیشده بکنند، یک دلایلی وجود داشته، به خاطر آن دلایل نمیشده انجام بدهند؛ هر کاری ممکن بوده انجام بدهند، انجام داده‌اند در دشمنی. و نتیجه این است که مشاهده میکنید؛ این درخت عظیم، این شجره‌ی طیّبه، شجره‌ی طوبی، روزه‌روز اقتدار پیدا کرده؛ این بنای مستحکم، هر روز مستحکم‌تر از گذشته خودش را به رخ دشمن میکشد. آن وقت اینجا است که واژه‌ی مقاومت معنا پیدا میکند؛ اینکه ما می‌گوییم <نیروهای مقاومت، جریان مقاومت، جبهه‌ی مقاومت>، یعنی این؛ یعنی یک حقیقتی به نام اسلام در دوران معاصر سر بلند کرده است که این حرکت عظیم اسلامی، صد سال پیش، پنجاه سال پیش نبود، امروز وجود دارد که گریبان نظام سلطه را محکم می‌گیرد و برای آزادی و عدالت اقدام میکند؛ این به وجود آمده؛ آنها هر توانی که دارند، میخواهند در مقابل این به خرج بدهند که این را عقب برانند؛ اینجا است که **﴿فَلِذَلِكَ فَادَعُ وَاَسْتَقِم﴾** هم دعوت لازم است، هم استقامت لازم است؛ مقاومت یعنی این<sup>۱</sup>.

## \* مقاومت یعنی پابندی به ارزش ها

اگر این پابندی به ارزشهای اساسی وجود داشت - که این شاخص اول [انقلابیگری] بود- حرکت، حرکت مستمر و مستقیم خواهد بود و در تندباد حوادث، این حرکت تغییر پیدا نمیکند. [اما] اگر این پابندی وجود نداشت، نقطه‌ی مقابل این پابندی، عمل‌گرایی افراطی است؛ یعنی هر روزی به یک طرف رفتن و هر حادثه‌ای انسان را به یک طرف کشاندن:

میکشد از هر طرف، چون پَرَکاهی مرا

وسوسه‌ی این‌وآن، دمدمه‌ی خویشتن

این میشود عمل‌گرایی؛ هر روزی انعطاف به یک جهت و به یک سمت؛ این منافات دارد با آن پابندی. در تعبیر قرآنی، این پابندی به ارزشها را «استقامت» نام نهاده‌اند: ﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ﴾ - آیه‌ی قرآن در سوره‌ی مبارکه‌ی هود- یا ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ﴾ در تعبیر قرآنی، اسم این پابندی به مبانی و ارزشها استقامت است!

## \* توأسی به صبر؛ دعوت عمومی به مقاومت

فرض کنید نظام اسلامی با فشارهای شرطی دشمن مواجه می‌شود؛ مراد ما از فشار شرطی این است که یک فشاری را وارد می‌کنند، مثلاً تحریم را، بعد می‌گویند این را برمی‌داریم به شرط اینکه فلان کار انجام بگیرد - این جور نیست که آدم را

۱. بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام ۱۳۹۵/۰۳/۱۴.

بکلی مایوس کنند؛ می گویند برمی داریم اما شرطش این است که این کار باید انجام بگیرد؛ این خب خیلی چیز خطرناکی است، خیلی چیز مهمی است؛ این شرطها ممکن است که شرطهای بشدت گمراه کننده و هلاک کننده ای باشد- در یک چنین وضعی انسان چه کار باید بکنند؟ اینجا انسان متوجه میشود که علاج این، ﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ﴾ است؛ چون این مسئله، مسئله‌ی عمومی است، مسئله‌ی شخصی که نیست. [مثلاً] در قرآن وجوب صبر، وجوب استقامت برای خود شخص [پیغمبر] هست؛ مخاطب ﴿وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ﴾ پیغمبر است و به مردم ربطی ندارد اما این [مورد]، ارتباط به مردم دارد: ﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ﴾؛ همه باید استقامت کنید، همه باید بایستید؛ یعنی یک حرکت جمعی صبر و استقامت را از ما میخواهد.

پس فهمیدیم که در این قضایا باید این جوری عمل کرد: ﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ﴾ باید عمل کرد؛ یا ﴿وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ تواصی به صبر، یکدیگر را وادار کردن به ایستادگی و مقاومت و تحمل و پایداری. خب وقتی یک چنین چیزی پیش می آید، برای ما آن مفهوم ﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ﴾ کاملاً روشن میشود؛ قبل از این، خیلی مفهوم روشنی برای ما ندارد - که خب ﴿وَمَنْ تَابَ مَعَكَ﴾ یعنی مردم موظفند که استقامت کنند- یک امر کلی است، اما وقتی یک چنین وضعی پیش می آید، انسان میفهمد که یعنی چه. ما امروز با این مسئله مواجهیم؛ مردم ما دچار مشکلاتی هستند که بخشی از آنها ناشی از فشارهای دشمن است و ما میخواهیم

مردم در مقابل این [مشکلات] استقامت کنند، بایستند؛ این یک حرکت عظیم و مهمی است که خب بحمدالله در کشور ما دارد انجام می‌گیرد!

## \* مقاومت یعنی با روحیه حرکت کردن و ادامه دادن

خداوند برای مقابله‌ی با دشمنی‌ها به پیغمبر دستورالعمل داد؛ از اوّل بعثت، خدای متعال پیغمبر را امر به صبر کرد. در سوره‌ی مدّثر که جزو همان سوره‌های اوّل بعثت است، میفرماید: ﴿وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ﴾ صبر کن برای خدای خودت. در سوره‌ی مزّمّل که آن هم جزو همان سوره‌های اوّل قرآن است، میفرماید که ﴿وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ﴾ در جاهای دیگر قرآن هم مکرراً این معنا هست. در دو جا [میفرماید]: ﴿وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ﴾ استقامت کن؛ هم در سوره‌ی هود هست، هم در سوره‌ی شوری هست. بنابراین، دستورالعمل وارد شده.

حالا صبر یعنی چه؟ صبر به معنای نشستن و دست روی دست گذاشتن و انتظارِ نتایج و حوادث را کشیدن نیست؛ صبر یعنی ایستادگی کردن، مقاومت کردن، محاسباتِ درست خود را و محاسباتِ دقیق خود را با خدعه‌گریِ دشمن تغییر ندادن؛ صبر یعنی پیگیریِ اهدافی که برای خودمان ترسیم کرده‌ایم؛ صبر یعنی با روحیه حرکت کردن و ادامه دادن؛ این معنای صبر است. اگر چنانچه این ثابت‌قدم بودن و مقاومت کردن، با عقل و تدبیر و مشورت همراه بشود - همچنان که در قرآن هست ﴿أمرهم شوری بینهم﴾ - قطعاً پیروزی نصیب خواهد شد.

بنده البتّه با قاطعیّت عرض میکنم که ملت ایران ملت صبوری است؛ نشان داده‌اند که صبر دارند.

ما مسئولین البتّه گاهی بی‌صبری کرده‌ایم، ولی ملت نه؛ ملت کاملاً صبور بوده‌اند؛ این چهل سال برای ما نشان این معنا است به طور روشن. بعضی از روشنفکرانهای ما هم متأسفانه بی‌صبری از خودشان نشان دادند، بعضی از آنها بی‌صبری را به مرز همکاری و هم‌زبانی با دشمن هم رساندند؛ البتّه بعضی‌ها این جور بودند. نقطه‌ی مقابله‌ی هم‌جوانهای مؤمنی هستند که بحمدالله عده‌شان خیلی زیاد است و روزه‌روز هم ان‌شاءالله زیادتر میشود؛ در عرصه‌ی فرهنگ، در عرصه‌ی علم، در عرصه‌ی فناوری، در عرصه‌ی سیاست، در فهم بین‌المللی مسائل - یعنی مسائل بین‌المللی را درست درک کنند و فهم کنند - در مقابله‌ی این جور جوانها هم هستند که عرض کردم بحمدالله روزه‌روز زیاد میشوند. پس صبر کردن یعنی تسلیم نشدن، دچار ضعف نشدن، دچار تردید نشدن، با شجاعت و عقل جلوی دشمن را گرفتن و دشمن را مغلوب کردن، که آن وقت در قرآن میفرماید: ﴿إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ﴾ ده نفر شما با صد نفر و بیست نفر شما با دویست نفر از آنها میتوانید روبه‌رو بشوید و غلبه کنید؛ این در یک شرایطی است؛ در یک شرایطی ده برابر، در یک شرایطی دو برابر، میتوانید شما با آنها مواجه بشوید.<sup>۱</sup>

۱. سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران ۱۳۹۹/۰۱/۳۰

## \* مقاومت به منزله جهاد کبیر

[امروز] جنگ نظامی مطرح نیست؛ امروز برای کشور ما جنگ نظامی سنتی و متعارف احتمال بسیار بسیار ضعیفی است لکن جهاد باقی است؛ جهاد یک چیز دیگر است. جهاد فقط به معنای قتال نیست، فقط به معنای جنگ نظامی نیست؛ جهاد یک معنای بسیار وسیع‌تری دارد. در بین جهادها جهادی هست که خدای متعال در قرآن آن را «جهاد کبیر» نام نهاده: وَ جِهْدُهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا؛ در سوره‌ی مبارکه‌ی فرقان است؛ «به» یعنی به قرآن، «جِهْدُهُمْ بِهِ» یعنی به وسیله‌ی قرآن با آنها جهاد کن؛ جِهَادًا كَبِيرًا. این آیه در مکه نازل شده. درست توجه کنند جوانهای عزیز! در مکه جنگ نظامی مطرح نبود؛ پیغمبر و مسلمانها مأمور به جنگ نظامی نبودند، کاری که آنها میکردند کار دیگری بود؛ همان کار دیگر است که خدای متعال در این آیه‌ی شریفه میگوید: «وَ جِهْدُهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا». آن کار دیگر چیست؟ آن کار دیگر، ایستادگی و مقاومت و عدم تبعیت [است]. [فَلَا تُطِيعُ الْكُفْرِينَ وَ جِهْدُهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا]؛ از مشرکین اطاعت نکن. اطاعت نکردن از کفار همان چیزی است که خدای متعال به آن گفته جهاد کبیر. این تقسیم‌بندی غیر از تقسیم‌بندی جهاد اکبر و جهاد اصغر است: جهاد اکبر که از همه سخت‌تر است، جهاد با نفس است، همان چیزی است که هویت ما را، باطن ما را حفظ میکند؛ جهاد اصغر، مجاهدت با دشمن است، منتها در بین جهاد اصغر یک جهاد هست که خدای متعال آن را «جهاد کبیر» نام نهاده که آن همین است. «جهاد کبیر» یعنی چه؟ یعنی اطاعت نکردن

از دشمن، از کافر؛ از خصمی که در میدان مبارزه‌ی با تو قرار گرفته اطاعت نکن. اطاعت یعنی چه؟ یعنی تبعیّت؛ تبعیّت نکن. تبعیّت نکردن در کجا؟ در میدانهای مختلف؛ تبعیّت در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر. در میدانهای مختلف از دشمن تبعیّت نکن؛ این شد «جهاد کبیر»<sup>۱</sup>.

### \* مقاومت زمینه نزول امداد الهی

یک توصیه که توصیه‌ی مهمی است، این است که شما که بحمدالله ویژگی‌های خوبی دارید: انقلابی هستید، پُر تلاش هستید، پُر توان هستید، دنبال کار هستید؛ این ویژگی‌ها را حفظ کنید، این ویژگی‌ها را تا آخر دوره نگه دارید. حالا «تا آخر عمر» باید گفت، اما لااقل تا آخر دوره این ویژگی‌ها را نگه دارید. خیلی‌ها بودند که در اوّل کار همین جور خصوصیات را داشتند، انقلابی بودند، پُر توان بودند، پُر انرژی بودند، با حرارت حرف میزدند، با حرارت کار میکردند، لکن به مرور زمان نتوانستند در مقابل وسوسه‌ها مقاومت کنند؛ وسوسه‌ی مال، وسوسه‌ی مقام، وسوسه‌ی شهرت، وسوسه‌ی نام و نشان. نتوانستند مقاومت کنند، راه کج شد، رفتار عوض شد، گاهی به ۱۸۰ درجه اختلاف با اوّل کار منتهی شد. لذا می‌بینید خدای متعال در قرآن میفرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ﴾ تنزّل ملائکه‌ی رحمت الهی مال آن کسانی است

۱. بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (علیه‌السلام)

که می‌ایستند پای این حرف: **ثُمَّ اسْتَقَامُوا**؛ استقامت میکنند، می‌ایستند. بایستید پای این ویژگی‌های خوب. خب حالا برای اینکه بتوانیم خودمان را انقلابی نگه داریم باید چه کار کنیم؟ توصیه‌ی بنده این است که باید مراقبه کنیم، باید حساب‌کشی کنیم از خودمان. مراقبه‌ی دائمی لازم است. ما انسانها ضعیفیم، در معرض خطریم، در معرض لغزشیم؛ مراقب باشیم، مراقب خودمان باشیم. این مراقبت، در اصطلاح قرآنی و اسلامی، اسمش تقوا است؛ تقوا یعنی همین مراقبت دائمی از خود که دامن انسان گیر نکند به این خارهای دُور و بَر. خب، یک توصیه این بود که به نظر من توصیه‌ی اصلی همین است!

### \* مقاومت؛ مصداق بزرگ تقوا

حقایق گرانبها و آیات بینات الهی در حوادث یک سال اخیر در این منطقه بیش از اینها است و برای اهل تدبیر، دیدن و شناختن آن دشوار نیست. لیکن با این همه، امروز همه‌ی امت اسلامی و بویژه ملت‌های به‌پاخاسته، نیازمند دو عنصر اساسی‌اند:

نخست: تداوم ایستادگی و پرهیز شدید از سست شدن عزم راسخ. فرمان الهی به پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در قرآن چنین است: **﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا﴾** و **﴿فَلذَلِكَ فَادَعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ﴾** و نیز از زبان حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام: **﴿وَقَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾**. مصداق بزرگ تقوا در این دوره برای ملت‌های به‌پاخاسته آن

است که حرکت مبارک خود را متوقف ن سازند و خود را سرگرم دستاوردهای این مقطع نکنند. این است بخش مهم از تقوایی که دارندگان آن، به وعده‌ی «عاقبت نیک» سرافراز گشته‌اند.

## \* مقاومت یعنی عدم توقف پذیری در برابر موانع

یک خصوصیت از خصوصیات امام هست که بنده امروز درباره‌ی آن بیشتر می‌خواهم صحبت کنم و آن، خصوصیت «مقاومت» است؛ مقاومت، ایستادگی. آن چیزی که امام را در هیئت یک مکتب، یک اندیشه، یک تفکر، یک راه، مطرح کرد برای زمان خود و در تاریخ، بیشتر این خصوصیت بود؛ خصوصیت ایستادگی، مقاومت، عدم تسلیم در مقابل مشکلات و موانع.

در برابر طاغوتها امام مقاومت خودش را به رخ همه‌ی دنیا کشید؛ چه طاغوت داخل در دوران مبارزات که خیلی‌ها خسته شدند، خیلی‌ها مشرف به ناامیدی شدند اما امام محکم ایستاد، امام بدون ذرّه‌ای عقب‌نشینی در راه مبارزه ایستاد؛ که این مال دوران قبل از پیروزی انقلاب بود. و بعد از پیروزی انقلاب هم فشارها از نوع دیگر و به صورت همه‌جانبه‌تر در مقابل امام ظاهر شد، [اما] امام باز هم اصل مقاومت را، ایستادگی را از دست نهاد، مقاومت کرد. بنده وقتی به این خصوصیت امام نگاه میکنم و به آیات قرآن مراجعه میکنم، میبینم امام حقیقتاً بسیاری از آیات قرآن را با همین ایستادگی خود و مقاومت خود معنا کرد. فرض بفرمایید اینکه قرآن میفرماید ﴿فَلِذَلِكَ

فَادِعُ وَاسْتَقِمَ كَمَا أَمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ» تهدید و تطمیع و فریب در امام اثر نگذاشت؛ نه اینکه تهدید نکردند یا تطمیع نکردند یا به فریب متصل نشدند؛ چرا، [اما] در امام مطلقاً اثر نمیگذاشت، ایستادگی او را مخدوش نمیکرد.

مهم این است که تلاش دشمن و تهدید دشمن نمیتوانست دستگاه محاسباتی امام را به هم بریزد؛ چون یکی از کارهای مهم دشمنان همین است: با شما که مواجه میشود، نیت شما را که میداند، تصمیم شما را که میداند، در صدد برمی آید کاری کند تا محاسبات شما عوض بشود، دستگاه محاسباتی شما را دچار اختلال کند؛ یکی از کارهای مهم دشمنی در عرصه‌های گوناگون این است. دشمن نمیتوانست دستگاه محاسباتی امام بزرگوار را که به بینات دین مبین اسلام متکی بود، دچار اختلال بکند.

معنای مقاومت چیست؟ معنای مقاومت این است که انسان یک راهی را انتخاب کند که آن را راه حق میداند، راه درست میداند، و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این راه منصرف کند و او را متوقف کند؛ این معنای مقاومت است.<sup>۱</sup>

۱. بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام ۱۳۹۸/۰۳/۱۴



بخش دوم

عوامل مقاومت بخش

## \* امید؛ عامل اصلی مقاومت

یک کلید اصلی وجود دارد و آن امید دادن و اطمینان دادن به مردم است. این کاری است که به عهده‌ی من و شماست: ما معممین، ما مسئولان، ائمه‌ی محترم جمعه؛ کار باید این باشد که به مردم امید بدهید و اطمینان بدهید. اگر مردم ناامید شدند، اعتماد خودشان را از دست دادند، متزلزل شدند، شکست قطعی است.

آن چیزی که جنگنده را، رزمنده را در جبهه نگه میدارد، امید است. باید امید داشته باشد، بداند که میتواند به پیروزی برسد. این امید را باید زنده نگه داشت. عامل اصلی پیروزی، در صحنه بودن مردم است؛ عامل در صحنه بودن مردم، امید و اطمینان آنهاست. این امید را باید در مردم تقویت کرد؛ مردم را نباید ترساند؛ مردم را نباید بدبین کرد، بیاعتماد کرد. در قرآن کریم ببینید: ﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ﴾. این از طرف دشمن است؛ بترسید ﴿قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ﴾ نسبت داده شود به دشمن - آیه‌ی دیگر: ﴿إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ﴾؛ میترساند. ﴿لَنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ

مرض والمرجفون فی المدینة لغریئتک بهم». ببینید، اینهاست. یعنی ترسیدن مردم مذمت شده؛ مردم را ناامید کردن، مردم را بی اطمینان کردن، مذمت شده. متقابلاً، نقطه‌ی مقابل: ﴿والعصر. انّ الانسان لفی خسر. الاّ الذین امنوا و عملوا الصّالحات و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصّبر﴾؛ همدیگر را باید وصیت کنیم، توصیه کنیم به صبر، به ایستادگی، به پیروی از حق؛ همدیگر را نگه داریم. ﴿والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض﴾؛ اولیاء یعنی پیوسته‌ها؛ به همدیگر پیوستند. این وظیفه‌ی ماست. بنابراین، بایستی به این نکته‌ی امید و اطمینان توجه کرد!

### \* مقاومت جز در سایه ایمان به خدا ممکن نیست

ملت ایران چهل سال است که مقاومت میکند. ما در روز اول مثل یک نهال باریکی بودیم، آسیب‌پذیر بودیم؛ به برکت نام مبارک پیامبر و به برکت هدایت امام بزرگوار، توانستیم ایستادگی کنیم؛ البته شهید دادیم، سختی کشیدیم، اما ایستادگی کردیم. امروز ملت ایران و کشور ایران یک درخت تناور است؛ امروز آمریکا و رژیم صهیونیستی غلط میکنند که ملت ایران را تهدید کنند؛ تهدیدهای آنها، حرکات آنها، خباثتهای آنها تا امروز شکست خورده است، از این پس هم شکست خواهد خورد؛ تحریم هم شکست خواهد خورد، سیاستهایشان هم شکست خواهد خورد؛ به برکت مقاومت.

مقاومت هم جز در سایه‌ی ایمان بالله و اتّکاء بالله و اعتماد به وعده‌ی الهی ممکن نیست؛ خدای متعال وعده فرموده

است، با تأکید فرموده است: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ» با تأکید، وعده‌ی نصرت داده است؛ این وعده تحقق پیدا خواهد کرد. اگر چنانچه ما خودمان را اصلاح کنیم، به وعده‌ی الهی با چشم حُسن‌ظن نگاه کنیم نه با سوءظن، پیروز خواهیم شد. سوءظن به وعده‌ی الهی مال کفار است؛ «الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنٌّ السَّوِّءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوِّءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ» این کسانی که به وعده‌ی الهی سوءظن دارند، معلوم است که از وعده‌ی الهی سود نخواهند برد.

ملت ایران حسن‌ظن خود به وعده‌ی الهی را اثبات کرده است؛ ایستاده است. به ما حمله‌ی نظامی هم شد، تحریم هم شدیم، نفوذ عوامل جاسوسی هم اتفاق افتاد، شهید هم دادیم، اما ملت ایران مثل کوه ایستاد و توانست خود را مستحکم و پایدار کند! امروز این شجره‌ی طیّبه - شجره‌ی طیّبه‌ی جمهوری اسلامی و ملت ایران - شجره‌ی طیّبه‌ای است که «أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» روزه‌روز به فضل الهی ما پیشرفت کردیم، روزه‌روز قوی‌تر شدیم؛ بعد از این هم همین خواهد بود؛ و این نسخه‌ی حرکت مسلمین و پیشرفت مسلمین در دنیای اسلام است.

### \* عزت؛ عامل تعمیق مقاومت

در منطق قرآن، عزت واقعی و کامل متعلق به خداوند و متعلق به هر کسی است که در جبهه‌ی خدائی قرار می‌گیرد. در مصاف بین حق و باطل، بین جبهه‌ی خدا و جبهه‌ی شیطان، عزت متعلق به کسانی است که در جبهه‌ی خدائی قرار می‌گیرند.

این، منطق قرآن است. در سوره‌ی فاطر میفرماید: ﴿من كان يريد العزة فلله العزة جميعا﴾. در سوره‌ی منافقون میفرماید: < و لله العزة و لرسوله و للمؤمنين و ليكن المنافقين لا يعلمون >. عزت متعلق به خداست، عزت متعلق به پیامبر و به مؤمنین است؛ اگرچه منافقان و کافردلان این را درک نمی‌کنند؛ نمی‌فهمند که عزت کجاست، مرکز عزت واقعی کجاست.

در سوره‌ی نساء، درباره‌ی کسانی که خود را متصل به مراکز قدرت های شیطانی می‌کنند، برای اینکه حیثیتی به دست بیاورند، قدرتی به دست بیاورند، می‌فرماید: ﴿أيتغون عندهم العزة فان العزة لله جميعا﴾، آیا دنبال عزتند این کسانی که به رقبای خدا، به دشمنان خدا، به قدرتهای مادی پناه میبرند؟ عزت در نزد خداست. در سوره‌ی مبارکه‌ی شعراء، گزارشی از مجموعه‌ی چالشهای پیامبران بزرگ را مطرح میفرماید - درباره‌ی حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت هود، حضرت صالح، حضرت شعیب، حضرت موسی - مفصل درباره‌ی چالشهای این پیامبران بزرگ بحث میکند و گزارش الهی و وحی را به گوش مردم میرساند. در هر مقطعی که می‌خواهد غلبه‌ی جبهه‌ی نبوت را بر جبهه‌ی کفر بیان بفرماید، می‌فرماید: ﴿انّ في ذلك لاية و ما كان اكثرهم مؤمنين. و انّ ريبك لهو العزيز الرحيم﴾. یعنی با اینکه طرف مقابل اکثریت داشتند، قدرت دست آنها بود، پول دست آنها بود، سلاح دست آنها بود، اما جبهه‌ی توحید بر آنها پیروز شد؛ در این یک آیتی است از آیات الهی، و خدای تو عزیز و رحیم است. بعد از آنکه قرآن این گزارش را در طول سوره‌ی مبارکه‌ی شعراء هی تکرار میکند، تکرار میکند، در آخر

سوره خطاب به پیغمبر میفرماید: ﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ﴾؛ به این خدای عزیز و رحیم که تضمین کننده‌ی غلبه‌ی حق بر باطل است، توکل و تکیه کن. ﴿الَّذِي يَرِيكَ حِينَ تَقُومُ. وَتَقَلَّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ﴾؛ او ناظر به حال توست؛ در حال قیام، در حال سجده، در حال عبادت، در حال حرکت، در حال تلاش؛ او حاضر و ناظر است، تو را میبیند؛ ﴿إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾. پس در منطق قرآن، عزت را باید از خداوند طلب کرد.

وقتی که عزت شامل حال یک انسان، یک فرد یا یک جامعه میشود، مثل یک حصار عمل میکند، مثل یک باروی مستحکم عمل میکند؛ نفوذ در او، محاصره‌ی او، نابود کردن او برای دشمنان دشوار میشود؛ انسان را از نفوذ و غلبه‌ی دشمن محفوظ نگه میدارد. آن وقت هرچه این عزت را در لایه‌های عمیق‌تر وجود فرد و جامعه مشاهده کنیم، تأثیرات این نفوذناپذیری بیشتر میشود؛ کار به جایی میرسد که همچنان که انسان از نفوذ و غلبه‌ی دشمن سیاسی و دشمن اقتصادی محفوظ میماند، از غلبه و نفوذ دشمن بزرگ و اصلی، یعنی شیطان هم محفوظ باقی میماند. آن کسانی که عزت ظاهری دارند، این عزت در دل آنها، در درون آنها، در لایه‌های عمیق وجود آنها نیست؛ لذا در مقابل شیطان بی‌دفاعند، نفوذپذیرند. معروف است که میگویند اسکندر مقدونی در یک راهی میگذشت، مردم به او کرنش میکردند. یک مرد پارسای مؤمنی در یک گوشه‌ای نشسته بود، کرنش نکرد، احترام نکرد، بلند نشد. اسکندر تعجب کرد، گفت: او را بیاورید. او را آوردند. گفت: تو چرا در مقابل من کرنش نکردی؟ گفت: زیرا تو غلامِ غلامان

منی؛ چرا در مقابل تو کرنش کنم؟ گفت: چطور؟ گفت: زیرا تو غلام شهوت و غضب خود هستی، و شهوت و غضب غلامان منند، در اختیار منند، من بر آنها غالبم.

بنابراین اگر عزت نفس در درون لایه‌های عمیق وجود انسان نفوذ کرد، آن وقت شیطان بر انسان اثر نمیگذارد؛ هویهای نفس در انسان اثر نمیگذارد؛ شهوت و غضب، انسان را بازیچه‌ی خود قرار نمی‌دهد.

ما امام را اینجور شناختیم. امام در طول حیات، چه در حوزه‌ی علم و تدریس، چه در دوران مبارزه‌ی دشوار، و چه در حوزه‌ی مدیریت و حاکمیت - آن وقتی که در رأس کشور قرار گرفت و مدیریت جامعه را در قبضه گرفت - در همه‌ی اینها مصداق ﴿**وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ**﴾ بود. برای همین بود که کارهای بزرگی که همه می‌گفتند نشدنی است، با طلوع امام، این کارها شدنی شد؛ همه‌ی سدهائی که گفته میشد شکستنی نیست، با حضور امام، این سدها شکستنی شد. او علاوه بر اینکه خود، مظهر عزت نفس و اقتدار معنوی بود، روح عزت را در ملت هم زنده کرد. این، کار بزرگ امام بزرگوار بود؛ که من دوباره برمیگردم، درباره‌ی این نکته توضیح خواهم داد. ملت ما با احساس عزتی که از درسهای انقلاب و امام آموخت، توانست خود را کشف کند. ملت، خود را کشف کرد، توانائیهای خود را کشف کرد؛ و چنین شد که ما در این چند دهه، بسیاری از تحقق وعده‌های الهی را با چشم خود دیدیم؛ چیزهائی را که در تاریخ می‌خواندیم، در کتاب‌ها می‌دیدم، در مقابل چشم خودمان مشاهده کردیم؛ غلبه‌ی مستضعفین را بر مستکبرین، بی‌بنیادی قصرهای

بظاهر باشکوه مستکبران و بسیاری از حوادث دیگر را در این سال ها دیدیم<sup>۱</sup>.

### \* عقب نشینی نکردن زمینه امداد الهی

فلسطین هیچ راهی جز مقاومت ندارد؛ این را باید بگویند، باید بخواهند؛ دولتهای اسلامی هم باید همین را تکرار کنند. البته بسیاری از دولتهای عرب، در قضیه ی غزه و قبل از او در قضایای دیگر، امتحان بسیار بدی دادند؛ بسیار امتحان بدی دادند. هر وقت صحبت مسئله ی فلسطین شد، هی گفتند مسئله ی فلسطین مسئله ی عربی است! آن وقتی که وقت عمل آمد، مسئله ی فلسطین بکلی از همه ی معادلاتشان حذف شد و به جای اینکه به فلسطین کمک کنند، به فلسطینی کمک کنند، به برادر عرب خودشان کمک کنند - اگر به اسلام هم عقیده ندارند، اقلأً به عربیت خودشان پایند باشند - همه از میدان عقب کشیدند! بسیار امتحان بدی دادند. اینها هم در تاریخ خواهد ماند. و این سزاها و جزاها مربوط به آخرت فقط نیست، در دنیا هم اینجور است. همچنانی که نصرت خداوند نسبت به شماها که دارید مبارزه میکنید، مال آنجا نیست.

در همین آیه ای که خواندند - که آقای خالد مشعل هم تکرار کردند - ملائکه میگویند: ﴿نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾. بنابراین فقط برای آخرت نیست، در دنیا هم ملائکه الله، فرشتگان الهی و قوای معنوی الهی کمک میکنند آن کسانی که: ﴿قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا﴾. اینها کمک میکنند.

۱. در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی عجل الله فرجه ۱۳۹۱/۳/۱۴

حالا این کمک آنها را ما در دنیا به چشم داریم می بینیم؛ به چشم خودمان داریم مشاهده میکنیم و می بینیم. ملائكة الله به ما هم در دفاع هشت ساله مان کمک کردند؛ ما این کمک را به چشم خودمان دیدیم. حالا یک آدم غرق در مادیات باور نمیکند، خب نکند؛ ما این کمک را دیدیم. امروز هم ملائكة الله دارند به ما کمک میکنند؛ امروز هم به کمک الهی است که ما ایستادیم. ما نیروی نظامی مان با آمریکا قابل مقایسه نیست؛ نیروی اقتصادی مان، امکانات مالی مان، امکانات تبلیغاتی مان، گستره فعالیت سیاسی مان با آمریکا قابل مقایسه نیست؛ اما در عین حال ما قوی تر از امریکائیم. با اینکه او پولدارتر است، او مسلح تر است، او امکانات تبلیغاتی اش بیشتر است، او امکانات مالی و سیاسی اش بیشتر است؛ اما در عین حال او ضعیفتر است و ما قویتریم.

دلیل قویتر بودن ما این است که در همه ی این میدانهای که ما و امریکا با هم مواجهیم، او قدم به قدم عقب نشینی میکند؛ ما عقب نشینی نمیکنیم؛ ما جلو میرویم. این، نشانه؛ این به برکت اسلام است؛ این به برکت کمک الهی و کمک ملائكة الله است. ما به اینها اعتقاد داریم، اینها را باور داریم، اینها را به چشم خودمان داریم می بینیم. و ان شاء الله آن روزی را که قدس شریف، علی رغم این دغدغه های که در مورد قدس بیان کردند - که یک دغدغه های واقعی است - به دست مسلمانها بیفتد، شاید خیلی از شماها آن را ببینید؛ ما باشیم یا نباشیم؛ به هر حال این را یک روزی مردم فلسطین و مردم دنیا

مشاهده خواهند کرد.<sup>۱</sup>

## \* ایمان و عمل صالح؛ راز مقاومت ملت‌ها

امروز به مظاهر نظامی‌گری مادی در دنیا نگاه کنید. علاوه بر نیروهای رسمی امریکا و انگلیس، امروز در عراق ده‌ها هزار مزدور فقط برای پول در میدان جنگ حاضر شده‌اند و لباس نظامی‌گری پوشیده‌اند. برای آنها بچه و پیرمرد و زن و بی‌دفاع و حریم خانگی مردم و هیچ چیز معتبر و محترم نیست؛ همه چیز را از دم تیغ می‌گذرانند؛ این معنای نظامی‌گری در منطق مادی است. جانی هم که در این راه تلف می‌شود، مثل جان حیوانی که بمیرد و در مزبله بیفتد، هدر رفته است! هیچ افتخار و درخششی دنبال چنین جانی نیست. اما آن انسانی که در راه دفاع از ملت و کشور و عدالت و حقیقت و ایستادگی در مقابل تجاوز و زورگویی و دست‌اندازی مراکز قدرت جهانی وارد میدان می‌شود، برای ارزش می‌جنگد. اگر هیچ کس هم او را نشناسد و گمنام بمیرد و گمنام بماند، در ملکوت آسمانها فرشتگان الهی او را با سر انگشت به هم نشان می‌دهند؛ او نمی‌میرد: >و لا تحسبنّ الّذین قتلوا فی سبیل اللّهِ امواتا<; اینها را مرده مپندارید؛ اینها زندگان جاوید و منبع الهامند.

وقتی این روحیه در ارتشی به وجود آمد، این ارتش غیرقابل تسخیر می‌شود. شما ببینید یک عده جوان با سلاح ایمان و بدون برخورداری از تجهیزات پیچیده و پیشرفته در لبنان کاری را انجام دادند که لشکرهای مجهز عربی نتوانسته بودند آن را

۱. در دیدار شرکت‌کنندگان در افتتاحیه‌ی همایش غزه ۱۳۸۸/۱۲/۰۸

انجام دهند؛ یعنی بر ارتش تا دندان مسلح به ابزارهای پیچیده ی اسرائیل فائق آمدند و این ننگ را بر پیشانی آنان نوشتند. اینها نه اتم داشتند، نه تانکهای پیشرفته داشتند، نه هواپیماهای فوق مدرن داشتند؛ با سلاح ایمان، با اعتماد به نفس و با تکیه به قدرت فائقه ی الهی، از اسلحه ی ابتدایی خودشان همان استفاده یی را کردند که یک لشکر مجهز به سلاح مدرن نمی توانست در مقابل آنها تاب مقاومت بیاورد. راز پیروزی مؤمنان در طول تاریخ اسلام این بوده. ایمان به تنهایی کافی نیست؛ ایمان با عمل صالح لازم است. عمل صالح در هر جا و هر میدانی یک معنا پیدا می کند. وقتی یک ملت مورد تهدید قرار می گیرد، عمل صالح این است که انسانهایی در مقابل تهدید دشمنان متجاوز سینه سپر کنند؛ امکانات خودشان را متمرکز کنند؛ از همه ی نیرو و استعداد خودشان بهره بگیرند؛ علم و عمل و ابتکار و شجاعت را با هم بیامیزند و در مقابل دشمن زورگو و متجاوز بایستند و مقاومت کنند. وقتی ایمان با عمل صالح همراه شد، انسان از خسران نجات پیدا می کند؛ آن وقت ملتها پیروز می شوند!



بخش سوم  
شرایط تحقق مقاومت

## \* موقت بودن رنج‌های مقاومت

عزیزان من! زحمتی بر عهده‌ی شما و بر عهده‌ی همه‌ی  
آحاد ملت ایران است، زحماتی هم بر آنها تحمیل میشود و  
آحاد ملت رنج می‌برند، اما همه باید بدانند که این زحمات،  
زحمات موقت است. شما جوانها یادتان نیست، در دوره‌ی  
دفاع مقدس و جنگ تحمیلی، سال اول میگفتیم که امسال  
جنگ تمام میشود، سال دوم میگفتیم امسال تمام میشود،  
سال سوم میگفتیم امسال [تمام میشود]؛ ملت ایران با  
پوست و گوشت و استخوانشان زحمات جنگ را لمس  
میکردند؛ در عین شدت، در عین فشار، نه مثل فشار حالا؛  
فشارهای فوق‌العاده. در همین شهر تهران، مردم در کوچه  
و خیابان که راه میرفتند، موشک صدام می‌خورد وسطشان؛  
شهرهای دیگر هم همین جور؛ یک چنین وضعیتی [بود]،  
جبهه‌ها هم که وضع خودش را داشت؛ اما آن سختی‌ها  
تمام شد. سختی دو جور ممکن است تمام بشود: تمام شدن  
سختی‌ها با خرسندی، تمام شدن سختی‌ها با ناخرسندی.  
جنگ تحمیلی تمام شد با خرسندی، یعنی با پیروزی ملت

ایران؛ علتش چه بود؟ علتش این بود که مشکلات را تحمّل کردند.

من به شما عرض میکنم که این زحمات امروز هم تمام خواهد شد و میتواند با خرسندی تمام بشود؛ شرطش چیست؟ شرطش این است که آحاد ملت ایران - بخصوص مسئولان در رده‌های مختلف - کار خودشان را خوب انجام بدهند. بدانید سرنوشت جمهوری اسلامی اعتزاز و اعتلا است، و بدانید سرنوشت دشمنان جمهوری اسلامی ذلت و انحطاط است؛ همه‌ی قرائن این را به ما نشان میدهد و برای ما اثبات میکند و این اتفاق خواهد افتاد. آن روز ممکن است افرادی از ماها نباشیم، اما ملت ایران هست، ملت ایران زنده است، جریان انقلاب زنده است، جریان نظام مقدّس اسلامی زنده و سر حال و بانشاط است، از این روزها آن روز یاد خواهند کرد و خواهند گفت که یک روزی ملت ایران [چنین بودند]: ﴿مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ أَلاَ إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾ آن روز مردم از حرکت شما، ایستادگی شما، مقاومت شما، خوب عمل کردن شما تشکر میکنند، تقدیر میکنند، قدرش را میدانند، همچنان که ما امروز قدر رزمندگان دفاع مقدّس و شهدای دوران دفاع مقدّس را میدانم!

### \* نقش بشارت شهدا در استحکام مقاومت ملت

با اینکه از پایان دفاع مقدّس قریب سی سال - ۲۸ سال - میگذرد، در عین حال یاد شهیدان و نام شهیدان کهنه نخواهد

شد، گم نخواهد شد. علت هم این است که خدای متعال فرموده است: ﴿أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ زنده‌اند دیگر. کما اینکه شهدای تاریخ هم این جور هستند؛ این همه علمای بزرگ، شخصیت‌های بزرگ، سیاست‌ون بزرگ در طول تاریخ وفات یافتند و از دنیا رفتند و کمتر کسی از آنها در یادهای جامعه مانده، اما شهدایی که شناخته شدند به‌عنوان شهید، یادشان زنده است و زنده خواهد بود. شهدای ما هم همین جور هستند. یاد شهدا زنده است و باید هم این بقای نام و یاد شهدا را ما به صورت یک امر مهم دنبال کنیم. چون شهیدان حامل بشارتند: ﴿وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ شهیدان به ما میگویند شما خوف و حزن نداشته باشید. دلسردی و نومیدی نداشته باشید. نعمت الهی را، لطف الهی را، برکات الهی را در مقابل چشم ما نگه میدارند و این آن چیزی است که ما امروز به آن احتیاج داریم.

امروز هدف جنگ نرم دشمن و جنگ پنهان دشمن، این است که مردم را از عرصه‌ی جهاد و مقاومت دور کند، مردم را نسبت به آرمانها بی‌تفاوت کند؛ هدفشان این است. تبلیغات وسیعی که میلیاردها دارند خرجش میکنند، با این هدف انجام میگیرد که ملت ایران را - که با مقاومت خود، با ایستادگی خود توانسته قدرتهای جهانی را، سلطه‌های بزرگ را در بسیاری از خواسته‌هایشان ناکام بگذارد - مأیوس کنند و از صحنه خارج کنند؛ هدف این است. حتی اگر فشار اقتصادی هم می‌آورند، هدف این است؛ اگر فشار سیاسی هم می‌آورند، هدف این است؛ اگر فشار امنیتی هم می‌آورند، هدف این است. اینکه ما خیال کنیم

دشمن یک جنگی را می‌خواهد شروع کند و یک بخشی از کشور را تصرف کند، اینها یک چیزهای قدیمی‌ای است؛ امروز اینها مطرح نیست و دشمن این را نمی‌خواهد. امروز دشمن اگر هم به فرض، یک کار نظامی را انجام می‌دهد، با آن هدف است؛ با هدف تصرف فضای فکری و روحی کشور است؛ [اگر] کار اقتصادی میکنند به این نیت است؛ [اگر] کار امنیتی میکنند، کار روانی میکنند، از فضای مجازی استفاده میکنند، از ماهواره استفاده میکنند، از رادیوها و تلویزیون‌ها استفاده میکنند، از مبلغان دهان‌به‌مزد و سخن‌به‌مزد در اطراف دنیا استفاده میکنند، همه با این هدف است. خب، در یک چنین شرایطی آن چیزی که میتواند ملت را سرپا نگه دارد، در آنها شوق و طراوت به وجود بیاورد، یاد شهدا است؛ یعنی از جمله‌ی عوامل مهم، یاد شهدا است؛ لذا است که مسئله‌ی یادبود شهدا و این کنگره‌های بزرگی که برای شهدا تشکیل میشود، خیلی مهم است؛ اینها خیلی با ارزش است!

### \* پیروزی نیروی مقاوم اندک بر عده زیاد دشمن

تکلیف این است که ما اصلی را که به آن اعتقاد پیدا کردیم، پای آن را امضا کردیم - با خون هم امضا کردیم - رها نکنیم. هشت سال جنگ بود. شوخی که نیست! ما برای چه این همه در مقابل دشمن مقاومت کردیم؟ دشمن از ما چه می‌خواهد که این طور فشار وارد می‌کند؟ این که دیگر جای ابهامی ندارد. پای این فکر و پای این <بلی> را گفت: گفتی این بلی روز الست

۱. در دیدار اعضای ستادهای برگزاری کنگره شهدای استان های کهگیلویه و بویراحمد و خراسان شمالی ۱۳۹۵/۷/۵

- با خرید هزاران «بلا» امضا کردند و خودتان بیشتر از همه باید پای این اصول بایستید. باید مقاومت کرد. البته من قبول دارم که مقاومت سخت است و عده‌ی کمتری آن را برمی‌تابند. اما این عده‌ی کمتر، همان کسانی هستند که «کم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله» و شما، آنها هستید. در این، شک نداشته باشید. در این، هیچ تردید نداشته باشید. این‌گونه است که این «فئه‌ی قلیله» از «فئه کثیره»، که دارای این ویژگی، این خصوصیت و این پایداری نباشد، جلوتر خواهد رفت و بیشتر غلبه خواهد کرد.<sup>۱</sup>

### \* پایان ناپذیر شدن مقاومت

تعبیر «واصبر» در قرآن زیاد است که اگر انسان بخواهد آیات را بخواند، هرکدام یک دریائی از معرفت است. حالا این آیه‌ی شریفه‌ی «**واصبر و ما صبرک الا بالله**»؛ به کمک خداست که تو میتوانی صبر کنی، یعنی استقامت آن وقتی پایان ناپذیر میشود که متصل باشد به منبع پایان ناپذیر ذکر الهی. اگر صبر را - که صبر به همان معنای پایداری و ایستادگی و استقامت و عقبگرد نکردن است - وصل کنیم به آن پایگاه ذکر الهی، به آن منبع لایزال، این صبر دیگر تمام نمی‌شود. صبر که تمام نشد، معنایش این است که این سیر انسان به سوی همه‌ی قله‌ها هیچ وقفه‌ای پیدا نخواهد کرد.

این قله‌ها که می‌گوئیم، قله‌های دنیا و آخرت، هر دو است: قله‌ی علم، قله‌ی ثروت، قله‌ی اقتدار سیاسی، قله‌ی معنویت،

۱. در دیدار با اعضای حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۷۱/۱۷۴

قله‌ی تهذیب اخلاق، قله‌ی عروج به سمت عرش عالی انسانیت. هیچ کدام از اینها دیگر توقف پیدا نخواهد کرد؛ چون وقفه‌ها در حرکت ما ناشی از بی‌صبری است. دو لشکر مادی وقتی در مقابل هم صف‌آرایی میکنند، آن کسی که زودتر صبرش تمام بشود، شکست می‌خورد؛ آن کسی که دیرتر صبر و مقاومتش تمام بشود، پیروز خواهد شد؛ چون با لحظه‌ای مواجه خواهد شد که طرف مقابل صبر خودش را از دست داده!

### \* سنت الهی در پیروزی قطعی مقاومت

این وعده‌ی الهی است که: «و لینصرنَّ الله من ینصره». خدای متعال تأکید میکند که اگر او را نصرت کردید، شما را نصرت خواهد کرد. ممکن است در نگاه عادی و مبتنی بر محاسبات مادی، بعید به نظر بیاید؛ اما خیلی از چیزها بعید به نظر می‌آید و اتفاق افتاد. شما در یک سال و دو سه ماه قبل از این آیا فکر میکردید که طاغوت مصر اینجور ذلیل شود و از بین برود؟ اگر آن روز به کسانی گفته میشد که رژیم وابسته‌ی فاسد مبارک ساقط خواهد شد، بسیاری استبعاد میکردند؛ اما اتفاق افتاد. اگر کسی دو سال قبل از این ادعا میکرد که در شمال آفریقا این حوادث عجیب به وقوع خواهد پیوست، اکثر باور نمیکردند. اگر کسی میگفت که در کشوری مثل لبنان، یک گروه جوان مؤمن خواهند توانست رژیم صهیونیستی و ارتش مجهز صهیونیستی را شکست بدهند، کسی باور نمیکرد؛ اما اینها اتفاق افتاد. اگر کسی میگفت که نظام جمهوری اسلامی با این همه دشمنی

که از شرق و غرب علیه او اعمال میشد، خواهد توانست سی و دو سال مقاومت کند و روزبه‌روز قوی‌تر شود و جلوتر برود، کسی باور نمی‌کرد؛ اما اتفاق افتاد.

﴿وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا﴾. این پیروزی‌ها آیت الهی است؛ اینها نشانه‌هایی از قدرت فائقی حق است که خدای متعال دارد به ما نشان می‌دهد. آن وقتی که مردم به میدان بیایند، آن وقتی که ما موجودی خودمان را وارد میدان کنیم، نصرت الهی قطعی است. خدای متعال راه را هم به ما نشان می‌دهد؛ ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ صَبِيلًا﴾. خدا، هم هدایت می‌کند، هم کمک می‌کند، هم به اهداف عالی میرساند؛ شرطش این است که ما در میدان باشیم!

### \* عدم امکان مقاومت بدون خطرپذیری

البته پیروزی، بدون مجاهدت، بدون حرکت، بدون خطرپذیری، امکان ندارد. خدای متعال وعده‌ی پیروزی بدون حرکت به هیچ کس نداده است. صرف مؤمن بودن هم کافی نیست؛ مجاهدت لازم است، صبر لازم است؛ «و لنصبرنّ علی ما آذیتموناً»- این حرف پیغمبران است به مخالفانشان - ما ایستادگی می‌کنیم. پیغمبران ایستادگی کردند. امروز منطق پیغمبران با آن همه سرکوبی که علیه آنها انجام گرفته است، منطق همه‌گیر دنیاست. حرف پیغمبران پیش رفت، منطق فرعونیان پیش

نرفت. این حرکت و این جهتگیری، روزه‌روز هم بیشتر خواهد شد. صبر لازم است، ایستادگی لازم است. ملت ما این ایستادگی را از خود نشان داد.<sup>۱</sup>

### \* روشن بودن نتیجه رنج‌های مقاومت

آنچه که برای یک انسان اهمیت دارد، این است؛ موفقیت در این دنیا، چشم انداز خوب و در نهایت چشم انداز رضوان الهی و بهشت الهی است. این با مجاهدت به دست می‌آید، با صبر به دست می‌آید، با پرهیزگاری و پاکدامنی به دست می‌آید و با تلاش خستگی‌ناپذیر به دست می‌آید. در مقابل چالش‌هایی که دشمن آفریده، انسان سختی‌هایی را تحمل می‌کند؛ اما قرآن به ما می‌گوید از این سختی‌ها نترسید: ﴿ان تَکُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ﴾؛ اگر شما از ناحیه‌ی آسیب دشمن رنجی را تحمل می‌کنید، دشمن هم از ناحیه‌ی مقاومت، صبر و رشادت شما رنج‌هایی را تحمل می‌کند؛ اما با این فرق: ﴿و تَرَجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ﴾؛ چشم انداز برای شما چشم انداز روشن است، اما برای دشمن نه.

مسئله‌ی شهادت و مسئله‌ی جهاد در اسلام این است: تلاش از همه سو سود، بدون زیان؛ تلاش صادقانه‌ای که به زندگی انسان معنا می‌دهد؛ جهت حرکت انسان رامعین می‌کند؛ چشم انداز آینده‌ی زندگی را به عنوان یک ملت، چشم انداز روشن و تابناکی می‌کند و چشم انداز سرنوشت نهایی انسان را به عنوان یک فرد، رضوان الهی قرار می‌دهد؛ این جهاد و

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۷/۰۳/۲۹

شهادت اسلام است؛ هیچ چیز جای این را نمی‌گیرد.<sup>۱</sup>

## \* بروز نیروی مقاومت در قیام الله

در دوران دفاع مقدّس همه چیز کشور مورد تهاجم قرار گرفت؛ نه فقط مرزهای کشور، [بلکه] هویت ملی کشور، نظام اسلامی کشور، انقلاب بزرگ ملت ایران، ارزشهای فراوانی که این ملت بزرگ در مقابل چشم خود قرار داده بود، همه مورد تهاجم قرار گرفت. آنجا فقط رژیم بعثی صدام نبود که در مقابل ما قرار گرفته بود، در حقیقت یک جنگ عمومی بود، یک جنگ بین‌المللی علیه ملت ایران بود؛ ناتو به عراق کمک میکرد؛ آمریکا کمک میکرد؛ شوروی آن روز کمک میکرد؛ ارتجاع عرب کمکهای مالی خود و مادی خود و دلارهای نفتی خود را، مثل سیل، به سمت آنها سرازیر میکرد؛ تبلیغاتشان - که در اختیار صهیونیست‌ها بود و هست - در همه‌ی دنیا، شب و روز به نفع آنها و علیه جمهوری اسلامی ایران تلاش میکرد. در این معرکه‌ی عظیم، در این قیامت کبرا، نیروی عظیم ملت ایران، نیروی ایمان، نیروی مقاومت، نیروی اعتماد به خدا، نیروی متکی به روح‌الله، و در صدر همه‌ی آنها نیروهای مسلح نظام جمهوری اسلامی ایران قیام کردند. قیام لله یعنی این. ﴿أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ وَفْرَادٍ﴾ قیام لله کردند، وارد میدان شدند، از جان خود، از نیروی خود، از توانایی خود بهره بردند.<sup>۲</sup>

۱. در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان سمنان ۱۳۸۵/۰۸/۱۳

۲. بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش ۱۳۹۵/۰۷/۰۷

## \* نقش تقوای شخصی در مقاومت ورزی ملی

این نقطه‌ی مقابل آن مطلبی است که من در جلسه‌ی کارگزاران نظام در اوایل ماه رمضان گفتم که ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَفَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا﴾ این هم آیه‌ی قرآن [است]. روز جنگ اُحد عده‌ای نتوانستند مقاومت کنند، میدان را رها کردند، پیروزی را تبدیل به شکست کردند. در جنگ اُحد مسلمانها پیروز شده بودند منتها غفلت یا خیانت یا دنیاطلبی و کوتاه بینی یک عده‌ی معدودی، همان پیروزی را تبدیل کرد به شکست. قرآن میگوید آن کسانی که موجب این حادثه شدند، ﴿إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا﴾ این کارهایی که قبلاً آنها با خودشان کردند، آنها را در معرض این لغزش قرار داد. عزیزان من! گناهان، بی‌توجهی به خود، عدم رعایت تقوا این جوری است. اگر می‌خواهیم در مقابل جبهه‌ی استکبار ایستادگی کنیم، مقاومت کنیم، به آن عزّت، آن شرف، آن اقتداری که جمهوری اسلامی لایق آن است و انقلاب به ما وعده‌ی آن را داده برسیم، احتیاج داریم به اینکه در رفتار شخصی خودمان رعایتهای لازم را بکنیم؛ آن تقوا را حفظ کنیم؛ [این] نیاز ما است!

## \* امکان مقاومت در اسلام نظام ساز

اسلام بلاشک قلع و قمع‌کننده‌ی ظلم و استکبار است؛ ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾. یقیناً اسلام میتواند کفر را، جبهه‌ی مقابل

را شکست بدهد؛ اما کدام اسلام قادر به این کار است؟ آن اسلامی میتواند کفر را و استکبار را و ظلم را قلع و قمع کند یا او را محدود کند یا از تجاوز و تعدی او جلوگیری کند که دارای نظام باشد، دارای دولت باشد، دارای نیروی نظامی باشد، دارای رسانه باشد، دارای سیاست باشد، دارای اقتصاد باشد، ابزارهای فراوان در اختیار او باشد؛ اسلامی که توانسته نظام سازی کند و حکومت سازی کند، این اسلام میتواند مقاومت کند، و الا یک شخص ولو مسلمان برجسته‌ای باشد، یا جریان اسلامی مثل جریان‌هایی که در دنیا هستند، اگر به سمت هدف حکومت پیش نروند، هیچ خطری برای استکبار ندارند؛ چون هیچ کاری از دست آنها به این صورت بر نمی‌آید؛ نمیتوانند قلع و قمع کنند کفر و ظلم و استکبار را. شما این اسلامی را که قادر بر مقابله است، قادر بر مقاومت است، قادر بر سینه سپر کردن در مقابل جبهه‌ی کفر است، این اسلام را به دست آورده‌اید، با زحمت هم به دست آورده‌اید، اما چه جوری میخواهید حفظش کنید؟ در مقابل دشمن، این را باید نگه داشت، این را باید حفظ کرد؛ این چیزی نیست که [اگر] رهاش کنیم خودش بماند؛ دشمن حمله میکند!

## **\* تحقق وعده‌های الهی کوچک؛ نشانه تحقق وعده‌های بزرگتر**

همواره تحقق معجزگون وعده‌های الهی، نشانه‌ی امیدبخشی است که تحقق وعده‌های بزرگتر را نوید میدهد. حکایت قرآن

از دو وعده‌ای که خداوند به مادر موسی داد، نمونه‌ای از این تاکتیک ربوبی است.

در آن هنگامه‌ی دشوار که فرمان به آب افکندن صندوق حامل نوزاد داده شد، خطاب الهی وعده فرمود که: «**إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ**». تحقق وعده‌ی اول که وعده‌ی کوچکتر و مایه‌ی دلخوشی مادر بود، نشانه‌ی تحقق وعده‌ی رسالت شد، که بسی بزرگتر و البته مستلزم رنج و مجاهدت و صبر بلندمدت بود: «**فَرُدِّدْنَاهُ إِلَىٰ أُمَّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ**». این وعده‌ی حق، همان رسالت بزرگ است که پس از چند سال تحقق یافت و مسیر تاریخ را تغییر داد.

نمونه‌ی دیگر، یادآوری قدرت فائقه‌ی الهی در سرکوب مهاجمان به بیت شریف است، که خداوند به وسیله‌ی پیامبر اعظم، برای تشویق مخاطبان، به امثال امر: «**فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ**» به کار می‌برد و می‌فرماید: «**أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ**» یا برای تقویت روحی پیامبر محبوبش و باور وعده‌ی: «**مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ**» از یادآوری نعمت معجزگون: «**أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ. وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ**» بهره می‌گیرد. و چنین نمونه‌هایی در قرآن بسیار است.

آن روز که اسلام در ایران پیروز شد و توانست دژ آمریکا و صهیونیسم را در یکی از حساسترین کشورهای این منطقه‌ی بسیار حساس فتح کند، اهل عبرت و حکمت دانستند که اگر صبر و بصیرت را به کار گیرند، فتوحات دیگرپی‌درپی فرا خواهد رسید؛ و فرارسید. واقعیت‌های درخشان در جمهوری اسلامی که دشمنان ما بدان اعتراف میکنند، همه در سایه‌ی اعتماد به وعده‌ی الهی

و صبر و مقاومت و استمداد از خداوند به دست آمده است. مردم ما همواره در برابر وسوسه‌ی ضعفائی که در مقاطع اضطراب‌انگیز، ندای: ﴿اَنَا لِمَدْرُكُونَ﴾ سر میدادند، نهیب زده‌اند که: ﴿كَلَّا اِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ﴾.

امروز این تجربه‌ای گرانبهاء در دسترس ملت‌هائی است که در برابر استکبار و استبداد قد علم کرده و توانسته‌اند حکومت‌های فاسد و گوش‌به‌فرمان و وابسته به آمریکا را سرنگون ساخته یا متزلزل کنند. ایستادگی و صبر و بصر و اعتماد به وعده‌ی: ﴿وَلِيُنصِرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصِرُهُ اِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ خواهد توانست این مسیر افتخار را تا رسیدن به قله‌ی تمدن اسلامی، در برابر امت اسلامی هموار کند!

### \* پیروزی قطعی در صورت حسن ظن به خدا

شیطان‌های وابسته‌ی به دستگاه‌های استکبار و قتی در هر گوشه‌ای از دنیا یک حرکت بزرگ و آزادیبخش از سوی مردم - که خالص است، ناب است - مشاهده میکنند، تمام نیروشان را متمرکز میکنند که آن حرکت را تبدیل کنند به ضد خود، یا از خاصیت بیندازند. می‌بینید امروز در منطقه‌ی ما چه خبر است. مردم در کشورها انقلاب میکنند برای نجات از وابستگی به آمریکا، برای نجات از ذلت در مقابل تسلط صهیونیسم، برای ابراز نفرت از وجود این غده‌ی سرطانی در دل کشورهای اسلامی؛ تمام دستگاه‌های سیاسی و اطلاعاتی و مالی استکبار و وابسته‌هایش به حرکت می‌افتد تا حرکت را خنثی کنند. مسئله، اینهاست.

ملت‌ها باید روی پای خودشان بایستند. ملت‌ها باید از نعمت خداداد اندیشه و خرد و تفکر انسانی استفاده کنند. ملت‌ها باید به خودشان اعتماد پیدا کنند؛ به نیروی خودشان، به خدای خودشان اعتماد پیدا کنند؛ حسن ظن به خدا نشان بدهند. خدای متعال وعده کرده است: >لینصرنَّ الله من ینصره انَّ الله لقویّ عزیز<. این تأکید الهی است. وقتی ملت‌ها بایستند، مقاومت کنند، ایستادگی کنند، قطعاً پیروزند؛ نمونه‌ی زنده‌اش ملت ماست!



بخش چهارم  
آثار و پیامدهای  
مقاومت

## \* پیشرفت؛ ثمره مقاومت

در روزهای منتهی به بیست و دوم بهمن در تهران و در بسیاری از شهرستان‌ها همین جور [بود]؛ آنجا هم اولاً امام حُجَّتُ الْاَلَمَّ بود که در جلوی جمعیت در واقع حرکت کرد. اگر امام شجاع نبود، اگر امام می‌ترسید، اگر امام ناامید میشد، اگر امام خسته میشد، اگر امام تنبلی میکرد، این حادثه‌ی به این عظمت اتفاق نمی‌افتاد. امام در قضایای روزهای آخر نهضت که منتهی به پیروزی انقلاب شد، لحظه به لحظه مراقب حوادث بود و داخل در جریانات بود تا رسید به آنجایی که حکومت نظامی رانفی کرد، مردم را به خیابانها کشاند و قضیه تمام شد. [ثانیاً] مردم هم شجاعت به خرج دادند و نترسیدند و وارد میدان شدند و به معنای واقعی کلمه حضور پیدا کردند.

هرگاه این مجاهدت باشد، هدایت الهی هم هست؛ یعنی وقتی این مجاهدت شد، این از خودگذشتگی به وجود آمد، خدای متعال وانمیگذارد؛ ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾ وقتی مجاهدت بندگان ظاهر بشود، خدای متعال هم هدایت خودش را به آنها خواهد داد؛ علاوه‌ی بر هدایت الهی، موفقیت

و پیشرفت هم خواهد بود که فرمود: ﴿وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾. «ماء غدق» یعنی سیراب کردن از آب فروان و آب زلال که مفسرین میگویند کنایه از حلّ همه‌ی مشکلات زندگی است. اگر در این راه پافشاری کنید، استقامت کنید - استقامت یعنی منحرف نشدن - درست حرکت کنید، در همین طریق مستقیم حرکت بکنید، مسلماً مشکلات زندگی هم حل خواهد شد، گرفتاری‌ها برطرف خواهد شد، ضعفها برطرف خواهد شد؛ ما باید به این نکته همیشه توجه داشته باشیم. اهمّیت راهی که ملت ایران تا امروز طی کرده بسیار بالا است؛ ما بایستی به این اهمّیت واقف باشیم<sup>۱</sup>.

### \* مقاومت عامل نشان دادن انفعال دشمن

مسلمانان با همکاری و تکیه بر مبانی مشترکی که قرآن و سنت بدان ناطق است قدرت خواهند یافت که در برابر این اهریمن چندچهره بایستند و آن را مغلوب اراده و ایمان خود سازند. ایران اسلامی با پیروی از درسهای امام خمینی کبیر، نمونه‌ی بارز این مقاومت موفق است. آنان در ایران اسلامی شکست خورده‌اند. سی سال ترفند و توطئه و دشمنی از کودتا و جنگ تحمیلی هشت ساله، تا تحریم و مصادره‌ی اموال، و از جنگ روانی و تبلیغاتی و صف‌بندی رسانه‌ئی تا تلاش برای جلوگیری از رشد علمی و دستیابی به دانش‌های نوین و از جمله دانش هسته‌ئی، و حتی تحریک و دخالت آشکار در ماجرای پرشکوه و پرمعنای انتخابات اخیر، همه و همه به

۱. در دیدار با مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۹/۱۱/۲۹

صحنه‌هایی از شکست و انفعال و سرگردانی دشمن تبدیل شد و آیه‌ی: «انّ کید الشیطان کان ضعیفاً» در برابر چشم ایرانیان بار دیگر مجسم گشت.

در هر نقطه‌ی دیگر نیز که مقاومتِ برخاسته از عزم و ایمان، مردم را به مصاف مستکبران پرمدعا کشانید، پیروزی نصیب مؤمنان و شکست و رسوائی سرنوشت حتمی ستمگران شد. فتح‌نمایان ۳۳ روزه در لبنان و جهاد سرافراز و پیروز غزه در سه سال اخیر، شاهد زنده‌ی این حقیقت است!

### \* مقاومت؛ عامل سلب اندوه و ترس از انسان و جامعه

ملت عزیز ما! مردم عزیز گرمسار! خدای متعال وعده‌ی قطعی کرده است که: «انّ الذین قالوا ربّنا الله ثمّ استقاموا تتنزل علیهم الملائکة الا تخافوا ولا تحزنوا»؛ استقامت در راه درست نتیجه‌اش این است که خدای متعال اندوه و ترس را از یک انسان و یک جامعه سلب می‌کند و موفقیت را نصیب آنها می‌کند. ما راهی که انتخاب کردیم، راه خداست. راه خدا فقط به معنای عبادت کردن و در کنج نشستن نیست؛ راه خدا یعنی به سعادت رساندن جامعه‌ی انسانی. ملت ما این راه را انتخاب کرد؛ یعنی راه عدالت، راه انصاف، راه عبودیت الهی، راه برابری انسانها، راه برادری انسانها با یکدیگر و راه اخلاق نیکو و پسندیده و فضیلت‌های انسانی؛ و در این راه پافشاری هم کرده است؛ با سختی‌هایی که در این راه هست، مقابله کرده و از آنها نهراسیده است. ان شاء الله میوه‌های شیرین و دلنشین این ایستادگی را

خدای متعال به او خواهد چشانند.<sup>۱</sup>

## \* گشودن درهای فَرَج الهی به شرط مقاومت

مسأله‌ی آزادگان، مسأله‌ی بزرگی است. به فیلمهای تبلیغاتی غربیها و دیگران در زمینه‌ی مسائل نظامی و مسائل مربوط به اسارت‌هایشان نگاه نکنید. هیچ ملتی نتوانسته است از قشرهای مختلف، مجموعه‌ای جوان و رزمنده به وجود آورد که در سخت‌ترین شرایط اسارت، شخصیت انقلابی و ایمانی و روح رزمندگی را آن‌چنان حفظ کنند، که آزادگان ما در دوران اسارت حفظ کردند؛ در حالی که یقیناً آنچه ملت ایران از حوادث دوران اسارت این عزیزان می‌داند، بخشی از مجموعه‌ی عظیمی از حوادث است.

مگر می‌شود این حادثه را تشریح کرد؟ مگر رنجهای لحظه لحظه‌ی اسارت را می‌شود در کلمات گنجاند، یا با زبان ادبیات و هنر تبیین کرد؟ شنیدن، مانند دیدن و لمس کردن نیست. اینها ایستادگی و مقاومت کردند. شاید در آن لحظه‌ای که آزادگان عزیز ما در اردوگاههایی با نگهبانان غلاظ و شداد دشمن روبه‌رو بودند و ایستادگی می‌کردند، بعضی از آنها امیدی هم به آزادی خودشان نداشتند. شاید در میان آنها کسانی هم بودند که خسته می‌شدند و می‌گفتند تا کی؟ اما سنت الهی این است که ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا، إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾.

اگر سختیها را تحمّل کردید، خدای متعال درهای فَرَج را خواهد گشود. اگر مجاهدت در راه خدا را بر جسم و نفس

خودتان هموار کردید، خدای متعال روشنایی فَرَج را به شما نشان خواهد داد و درهای فَرَج را به روی شما باز خواهد کرد: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾. خدای متعال به برکت مجاهدت و به شرط ایستادگی، بیرون از دایره‌ی محاسبه‌ی معمولی عقول بشری، درها را باز و راهها را هموار می‌کند.<sup>۱</sup>

### \* استمرار راه انقلاب با مقاومت و پایداری

در این حرکت تاریخی، هم مردم قم و هم حوزه‌ی معظّم و جلیل‌القدر علمیه‌ی قم نقش داشتند. جوانان و مرد و زن قم، قبل از آن حرکت و با آن حرکت، نشان دادند که پایندی آنها به اسلام، لقلقه‌ی زبان نیست و حوزه‌ی علمیه‌ی قم و مراجع معظّم قم در آن روز نیز ثابت کردند که ظرفیت و استعداد هدایت یک موج عظیم مردمی را در این اقیانوس بیکران دارا هستند. اینها چیزهایی نیست که زایل شود. امروز هم همان ایمان، همان مردم و همان حوزه‌ی علمیه در قم استوار است؛ لذا قم محور اساسی انقلاب بوده و خواهد بود. جوانان قم نقش و سهم بسیار بزرگ خود را فراموش نکنند. آن روز، روز شروع بود؛ امروز، روز استمرار در صراط مستقیم است. اگر آن روز آن حرکت مهم بود، امروز هم دقّت و احتیاط برای زاویه نخوردن به صراط مستقیم و منحرف نشدن مهم است. خداوند متعال به پیغمبر و اصحاب پیغمبر فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا﴾؛ یعنی در این راه بمانید و استقامت کنید؛ راه را گم

۱. بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا ۱۳۷۶/۰۵/۲۹

نکنید؛ خط را اشتباه نکنید؛ هدف را فراموش نکنید. این خطاب به ما و خطاب به همه‌ی ملت ایران است. وقتی با همان نیت و با همان عزم، یک ملت راه خود را استمرار بخشید و از تاب و توان نیفتاد - که نمی‌افتد - دروازه‌های مدینه‌ی موعود الهی - مدینه‌ی سعادت - به روی مردم باز خواهد شد. بعد از پیروزی انقلاب همه‌ی همّت دشمنان انقلاب و مستکبران در این متمرکز بود که حالا که کار از دستشان دررفت، شاید بتوانند راه این راهروان را منحرف کنند؛ همچنان که در قیام مشروطه کردند. همه یا بیشتر تلاش این بیست و پنج ساله بر این موضوع متمرکز بود که این خطّ الهی و این راه صحیح و صراط مستقیم گم نشود. البته فضلا، جوانان، بزرگان و مراجع معظّم حوزه در این زمینه مسؤولیت سنگینی دارند؛ همه سهیمند. هوشمندی مردم، شجاعت و روح صفا و آزادگی آنها - که بحمدالله در همه جای کشور متجلی است و در قم به صورت نمایانی وجود دارد - تضمین‌کننده‌ی تداوم این راه است.<sup>۱</sup>

### \* مقاومت شرط لازم برای فتح قله حاکمیت دین خدا

باید با اراده حرکت کرد، باید با تصمیم حرکت کرد. جاذبه‌ها برای زاویه ایجاد کردن از این صراط مستقیم کم نیست. همیشه این زاویه‌ها بوده، و امروز بیشتر از همیشه است. اراده‌ی قوی لازم است تا در مقابل این جاذبه‌های شیطانی بتوانید مقاومت کنید. اگر مقاومت کردید، آن وقت قلّه را فتح خواهید کرد؛ و به قلّه‌ی حاکمیت دین خدا، حاکمیت حق، حاکمیت عدل، به

قله‌ی رسیدن به مقصود و غرض از خلقت انسانی که عبارت از تکامل انسان و کمال بشری باشد خواهید رسید؛ کاری که از بعد از زمان رسول خدا تا امروز انجام نگرفته... تلاش کنید در این راه استقامت بورزید: ﴿فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ﴾ استقامت مهم است، ایستادگی مهم است و این کار را شما میتوانید بکنید و ان شاء الله به برکت توجه و توسل به حسین بن علی علیه السلام خواهید کرد.<sup>۱</sup>

### \* مقاومت؛ راه جلب معیت الهی

جمهوری اسلامی در حال یک مبارزه‌ی همه‌جانبه است، کسی تردید ندارد؛ همه این را قبول داریم که جمهوری اسلامی در حال یک مبارزه‌ی سخت و یک مبارزه‌ی همه‌جانبه است؛ نه فقط در زمینه‌ی سیاسی، [بلکه] در زمینه‌ی فرهنگی، در زمینه‌ی اقتصادی، در زمینه‌ی اجتماعی، در زمینه‌ی امنیتی، ما در حال مبارزه‌ایم. [البته] جنگ نظامی و مبارزه‌ی نظامی هم در برهه‌ای از زمان بوده که متوقف شده و [الآن] نیست اما سخت‌تر از آن، جنگ‌های امنیتی است، جنگ‌های اقتصادی است، جنگ‌های فرهنگی است که ما در جریانیم و در حال جنگیم؛ این را هیچ‌کس نمیتواند انکار کند. بله، کسانی هستند که به اینکه ما در این وضعیت هستیم - در حال جنگ هستیم - اعتراض دارند که چرا با دنیا باید ما جنگ داشته باشیم؟ کسانی هستند که معترض به این معنا هستند. تصور آنها این است که جمهوری اسلامی این جنگ را شروع کرده؛

۱. بیانات در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی ۱۴۰۲/۰۶/۱۵

لذا می‌گویند خب چرا ما این جور و در این وضع هستیم؟ به نظر ما این غفلت است؛ جمهوری اسلامی جنگی را با این ابعاد با دنیا شروع نکرده، بلکه نفس وجود جمهوری اسلامی یعنی آرمانها و اهداف و شعارهایی که در جمهوری اسلامی مطرح است - که خلاصه میشود در حکومت دین، خلاصه میشود در جامعه‌ی دینی - دشمن درست‌کن است، دشمن تراش است، جنگ‌راه‌بینداز است.

این همان جنگ معروف حق و باطل است که در طول تاریخ بوده؛ این چیز جدیدی هم نیست؛ هرجایی که نغمه‌ی توحید بلند شد و عدالت مطرح شد، دشمنانی در آنجا به وجود آمدند؛ این مال امروز نیست؛ ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْحَيِّ يُوْحَىٰ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا ۗ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ ۗ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ \* وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ﴾؛ أبعاض جبهه‌ی باطل با یکدیگر همکاری میکنند، یعنی هم همکاری میکنند و هم طرف‌دار پیدا میکنند؛ کسانی اصغاء می‌کنند حرف‌های اینها را و گوش می‌کنند و دنبال اینها حرکت می‌کنند؛ این [طور] هست. ما در جمهوری اسلامی شعارمان عبارت است از توحید، از ولایت‌الله و ولایت اولیاء‌الله، عدالت اجتماعی، تکریم انسان؛ این شعارهایی که ما داریم و دنبالش هستیم، اینها است، و اینها دشمن دارد. ما با ظلم مخالفیم؛ كونا لِلظَّالِمِ خِصْمًا ۗ وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا؛ ما این مکتب را داریم؛ خصم ظالمیم، عون مظلومیم. این موضع، طبعاً دشمن به وجود می‌آورد، دشمنی به وجود می‌آورد، دعوا راه می‌اندازد؛ این هست.

خب، آن نکته‌ی مهم این است که در این مبارزه، پیروزی قطعاً با جبهه‌ی حق است. نه امروز، [بلکه] دیروز، امروز و فردا، هر جا چنین مبارزه‌ای به وجود بیاید، پیروزی با جبهه‌ی حق است، مشروط به چند شرط؛ [اگر] اهل حق و کسانی که طرفدار حقند، نیت کنند، همت کنند، صبر کنند، ایستادگی کنند، مبارزه کنند، بلاشک پیروز خواهند شد؛ هر جایی که این اتفاق افتاده است -از دورانِ دور تاریخ- این جور است. در مورد انبیا هم همین جور است؛ بله ما در انبیا هم داریم مواردی که اینها را به قتل رساندند، نابود کردند، مسخره کردند و کارهایی مانند اینها کردند، اما در خود قرآن و در روایات، مواردی را دارید که انبیا موفق شدند، مسلط شدند؛ این به خاطر همین است که شرایط تفاوت میکرده. آنجایی که طرفداران حق سستی به خرج دادند، اهمال به خرج دادند، آن جوری شده؛ آنجایی که ثبات و ایستادگی و استقامت و مبارزه و بصیرت و مانند اینها به خرج دادند، پیروز شدند؛ یعنی در طول تاریخ این جور است. امروز هم همین جور است؛ امروز هم وقتی که این حرکت، این نهضت به وسیله‌ی امام بزرگوار شروع شد، خب مردم پیروی کردند، آمدند داخل میدان؛ پیر، جوان، مرد، زن، قشرهای مختلف، جاهای مختلف وارد میدان شدند؛ از گذشته شدن نترسیدند، ایستادگی کردند، پیروز شد. در جنگ هم همین جور؛ در هر جای دیگر هم که ما به اصطلاح این همت را کردیم، مسلماً پیروزی به دست آمده است. امروز هم همین جور است؛ امروز هم اگر ما به شرایط، درست عمل بکنیم، پیروزی قطعی است.

و در قرآن کریم آیاتی که این نکته‌ی قطعیت پیروزی را به ما یادآوری میکند و تعلیم میدهد و خبر میدهد، آیات زیادی است؛ از جمله آیه‌ی **﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾** آیه‌ی **﴿لِيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ﴾** آیه‌ی **﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾** که در چند جا تکرار شده، اینها همه نشان‌دهنده‌ی این است.

یکی از امیدبخش‌ترین آیاتی که من امروز میخواهم یک مقداری آیات آن را عرض بکنم، آیه‌ی معیت الهی است؛ **﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾**، خدا با ما است. مسئله‌ی خیلی مهمی است اینکه انسان احساس کند که خدا با او است، خدا در کنار او است، خدا پشت سر او است، خدا مراقب او است؛ این خیلی چیز مهمی است! چون خدا مرکز قدرت و مرکز عزت است. وقتی خدا با یک جبهه‌ای باشد، این جبهه قطعاً و بلاشک پیروز است. حالا مثلاً ملاحظه کنید در سخت‌ترین جاها خدای متعال این معیت را به رخ اولیای خودش کشانده؛ فرض بفرمایید آنجایی که حضرت موسی میگوید: **﴿وَلَهُمْ عَلَىٰ ذَنْبٍ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُون﴾**، در اول قضیه خداوند میفرماید: **﴿قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ﴾** من با شما هستم، از چه کسی میترسید؟ این در سوره‌ی شعرا بود؛ یا در آیه‌ی دیگر که موسی و هارون میگویند: **﴿إِنَّا نَخَافُ أَنْ يُفْرِطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَى﴾**، فرعون این کار را بکند، خداوند میفرماید: **﴿قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَآرَى﴾** ببینید چقدر این خوب است! من با شما هستم، میبینم، می‌شنوم، حواسم جمع است، مواظبتان هستم. یا در سوره‌ی مبارکه‌ی محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ میفرماید: **﴿فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكَكُمْ أَعْمَالَكُمْ﴾** یعنی این معیت

خدای عزوجل با مؤمنین، با پیامبران، با همراهان و اصحاب پیامبران، یک چیزی است که خدای متعال مکرر در قرآن آن را به رخ کشیده. آن وقت نتیجه این شده که پیغمبران به این وعده‌ی صادق الهی اعتماد کردند در این آیه‌ی شریفه که ﴿فَلَمَّا تَرَأَى الْجَمْعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ \* قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ﴾ به مجردی که دیدند که سیاهی لشکر فرعون از دور پیدا شد و الان است که برسد - جلویشان دریا، پشت سرشان لشکر فرعون - دلها لرزید، [گفتند] ﴿إِنَّا لَمُدْرِكُونَ﴾؛ پدرمان در آمد. اینجا حضرت موسی به اعتماد همان وعده‌ی الهی میگوید: «کلا»؛ چنین نیست؛ «إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ». یا پیغمبر اکرم در غار ثور؛ ﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ به اعتماد همین وعده‌ی الهی، پیغمبر اکرم میگوید ﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾؛ ناراحت نباش، محزون نباش. پس هم خدای متعال این وعده را به طور قطعی داده است، هم اولیای الهی [مانند] حضرت موسی و پیغمبر اکرم این وعده را باور کرده‌اند و قبول کرده‌اند و به آن ترتیب اثر داده‌اند. و این یک حقیقت و یکی از سنت‌های قطعی تاریخ است؛ این یکی از آن سنت‌هایی است که ﴿لَنْ نَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ بلاشک این همیشه هست. خب، حالا ما میخواهیم این معیت را برای خودمان تأمین کنیم؛ راهش چیست؟ مهم این است. این معیت وجود دارد، اما شرط دارد؛ برای همه نیست. در قرآن چند شرط گذاشته است برای این معیت. در آخر سوره‌ی نحل [میفرماید]: ﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ﴾ تقوا. ﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ و ﴿و

اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» و «أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» و «أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ» و «وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» در چند جای قرآن تکرار شده. ما وظیفه‌مان را از اینجا بفهمیم؛ من این را میخواهم عرض بکنم. هم دولت اسلامی - یعنی مسئولین دولتی، قوه‌ی مجریه، قوه‌ی قضائیه، قوه‌ی مقننه - هم علما، وظیفه‌شان این است که تربیت ایمانی کنند این ملت را؛ تربیت تقوایی کنند این ملت را؛ تربیت صبر، تربیت احسان بین مردم و بین مؤمنین؛ ما باید مردم را این جور تربیت کنیم. از همه مهم‌تر دستگاه‌های دولتی هستند که با برنامه‌ریزی میتوانند این کار را انجام بدهند. ما یک دستگاه عظیمی داریم به نام آموزش و پرورش، یک دستگاه عظیمی داریم به نام آموزش عالی، یک دستگاه عظیمی داریم به نام صداوسیما، غیر از دستگاه‌های اختصاصی مجموعه‌ی ما.

این‌هایی که گفتم، در همه‌ی دنیا همه دارند؛ یک دستگاه‌هایی هم هست که اختصاصی ما است، مثل ائمه‌ی جمعه و جماعات، مثل منبرها؛ این منبرها و تماس‌های با مردم خیلی مهم است. پس یک کار عبارت است از برنامه‌ریزی‌های تربیتی و آموزشی در مدرسه، در دانشگاه، در مسجد، در مصلاّی نماز جمعه، در منبرهای تبلیغی؛ بخصوص، همین‌طور که عرض کردیم، در جاهایی که دایره‌ی وسیع‌تری دارد، مثل صداوسیما؛ یکی از وظایف عمده‌ی صداوسیما این است. یا آن کسانی که سخنانشان شنونده‌ی زیادی دارد، مثل خود این حقیر، مثل رئیس‌جمهور، مثل دیگران که مردم می‌شنوند سخنان اینها را - چهره‌های معروف دینی و علمی و سیاسی که می‌شنوند مردم

حرفهای اینها را، اینها بایستی اهداف مهمشان را متمرکز کنند روی همین تربیتهای مذکور؛ برای اینکه اگر این تربیتهای انجام گرفت، آن وقت «وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ» به وجود می‌آید، «الَّذِينَ اتَّقُوا» به وجود می‌آید و از این قبیل، و دنبالش «إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا» به وجود می‌آید؛ یعنی قطعاً معیت الهی حاصل خواهد شد؛ دیگر هیچ جای خوف و حزنی وجود ندارد. خب ما امروز با یک جبهه‌ی عظیم سیاسی و مالی و اقتصادی و نظامی و امنیتی و مانند اینها مواجهیم؛ تقریباً همه‌ی دستگاه‌های تبلیغاتی دنیا علیه ما دارند حرف می‌زنند و کار میکنند؛ دستگاه‌های مالی وابسته‌ی به صهیونیست‌ها و وابسته‌ی به آمریکا و مستکبرین علیه ما دارند کار میکنند؛ همه‌ی آنها دارند کار میکنند. البته ما بحمدالله ایستاده‌ایم؛ این ایستادگی هم به برکت همان تقوا و ایمانی بوده است که در قشر عظیمی از مردم ما بحمدالله وجود دارد، یعنی همین جوانها و همین فداکاری‌ها و همین <حججی>‌ها و امثال اینها؛ اینها را دست‌کم نگیرید، اینها خیلی مهمند؛ همینها هستند که نگه داشته‌اند پایه‌های این نظام را و معیت الهی را برای ما تا حدود زیادی تأمین کرده‌اند.

اگر بخواهیم این کامل بشود، بایستی این دایره را وسعت بدهیم، بایستی روی این مسائل کار بکنیم؛ یکی کار تبلیغی و برنامه‌ریزی تبلیغی است. اشخاص شماها، تقریباً همه‌ی شما آقایان، در شهرهای خودتان، در مراکزی محلّ توجّه هستید؛ یا امام جمعه هستید یا گوینده‌ی دینی هستید یا معلّم هستید، استاد هستید - بعضی در دانشگاه، بعضی در حوزه- و در جاهای مختلف میدان دارید و امکان دارید برای حرف زدن،

برای کار کردن، برای تربیت کردن؛ آدمهای کنارنشسته‌ای نیستید، میدان دارید؛ این مورد سؤال پروردگار قرار خواهد گرفت؛ یعنی این امکانی است که خدای متعال از کیفیت به کار رفتن این امکان سؤال خواهد کرد از ما؛ «وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسْأَلُنِي غَدًا عَنْهُ» این از آن قبیل چیزها است. بنابراین پس یک کار این است!

### \* مقاومت راهکار برداشته شدن آفت حزن و ترس

ادبیات جنگ، به طور کلی ادبیات بشارتی است؛ ببینید قرآن هم درباره‌ی شهدا میفرماید که «وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» بشارت میدهند؛ بشارت میدهند به چه؟ که دو آفت مهم را نبایستی داشته باشند و ندارند؛ یعنی نفی این دو آفت را بشارت میدهند: یکی ترس، یکی اندوه؛ هم ترس را، هم اندوه را نفی میکنند. به نظر من اگر ما نشاط اجتماعی می‌خواهیم، اگر امید و شادابی و سرزندگی می‌خواهیم، اگر طراوت در نسل‌های جوانمان می‌خواهیم، باید به این گزاره‌ی ملکوتی و قرآنی ایمان بیاوریم؛ این «يَسْتَبْشِرُونَ» خیلی مهم است. خوف و حزن دو آفت بزرگ است برای یک ملت، برای یک جماعت، برای یک انسان. ترس و اندوه دو آفت بزرگ است؛ این دو آفت با بشارت قرآنی برداشته میشود؛ همچنان که اگر مقاومت هم بکنیم، این دو آفت برداشته میشود. آن هم [بیان] آیه‌ی قرآن است: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا» مقاومت

هم همین جور است. اگر میخواهید خوف نداشته باشید، حزن نداشته باشید، مقاومت و استقامت را سرمشق کار خودتان قرار بدهید؛ آن وقت خوف هم نخواهید داشت، حزن هم نخواهید داشت.<sup>۱</sup>

### \* اهل مقاومت؛ پیروز نهایی اند

بخش چهارم و عنصر چهارم از منطق مقاومتی که امام بزرگوار پایه‌گذاری کرد در نظام جمهوری اسلامی، این بخش قرآنی وعده‌ی الهی است. خداوند متعال در آیات مکرر قرآن این وعده را داده است که اهل حق، طرف‌داران حق، پیروز نهایی‌اند؛ آیات فراوان قرآن بر این معنا دلالت میکند. ممکن است قربانی بدهند اما در نهایت شکست نمی‌خورند؛ آنها پیروز هستند در این صحنه؛ قربانی دارند اما ناکامی ندارند.

از مثالهای آیات کریمه‌ی قرآن، من دو سه آیه را اینجا ذکر میکنم؛ جوانهای عزیزی که اهل قرآنند، به اینها مراجعه کنند، روی آنها فکر کنند. ﴿أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ﴾ خیال میکنند دارند زمینه‌سازی میکنند، توطئه برای جبهه‌ی حق و مقاومت درست میکنند، [اما] نمیدانند که توطئه علیه خود آنها دارد چیده میشود طبق طبیعت و سنت الهی. آیه‌ی دیگر: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ﴾ تا آخر آیه. آیه‌ی دیگر: ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ آیه‌ی دیگر: ﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرْهُ﴾. آیات فراوان

۱. بیانات در ارتباط تصویری با شرکت‌کنندگان در آئین تجلیل از پیشکسوتان دفاع

قرآن همه همین عاقبت را نوید میدهند به آن کسانی که در راه مقاومتند. این هم یک استدلال. یک بخشی از استدلال قوی و منطق قوی امام همین آیات است - ده‌ها آیه است در قرآن کریم - که من حالا سه چهار آیه را خواندم.<sup>۱</sup>

## \* اگر مسلمانان مقاومت کنند بر همه قدرت طاغوت پیروز می شوند

بوضوح امروز آمریکا، در این منطقه ضعیف‌تر از ده سال پیش و بیست سال پیش است؛ بوضوح رژیم صهیونیستی خبیث، امروز ضعیف‌تر از گذشته است. چند سال قبل از این، رژیم صهیونیستی در مقابل حزب‌الله لبنان شکست خورد؛ ۳۳ روز توانست مقاومت بکند و بعد شکست خورد؛ دو سال بعد از آن در مقابل فلسطینی‌ها ۲۲ روز توانست مقاومت کند و شکست خورد؛ چند سال بعد در مقابل مردم مظلوم غزه ۸ روز توانست مقاومت بکند و شکست خورد؛ در همین هفته‌ی اخیر ۲ روز توانست مقاومت بکند و شکست خورد؛ این ضعف رژیم صهیونیستی است، ضعف روزافزون رژیم صهیونیستی است. ملت‌هایی که فکری دارند، هویتی دارند، انگیزه‌ای دارند، متکی به خدا هستند، متوکل علی‌الله هستند، می‌ایستند و خدای متعال به آنها کمک خواهد کرد. ﴿وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا الْأَدْبَارُ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا \* سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ این سنت الهی است؛ اگر مسلمانان بایستند، بر همه‌ی سازوبرگ قدرتهای طاغوتی و مستکبر پیروز

۱. بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی علیه‌السلام ۱۳۹۸/۰۳/۱۴

خواهند شد. امروز مردم یمن سخت‌ترین شکنجه‌ها را دارند از ناحیه‌ی دولت سعودی و همراهانش و آمریکا - پشتیان‌ش - تحمّل میکنند لکن بدانید قطعاً ملت یمن و انصارالله پیروز خواهند شد؛ آنها شکست نمی‌خورند؛ ملت فلسطین شکست نمی‌خورند؛ تنها راه، مقاومت است و آن چیزی که امروز آمریکا را و متحدینش را دستپاچه کرده که به حرفهای یاوه متوسّل میشوند، به کارهای غلط متوسّل میشوند، ایستادگی ملت‌های مسلمان است و این ایستادگی نتیجه خواهد داد.<sup>۱</sup>

### \* پاداش الهی در صورت مقاومت کردن در برابر دشمن

بعضی نسخه‌ی دیگری را تجویز میکنند، می‌گویند تسلیم بشویم تا دشمن علیه ما موزیگری نکند؛ اینها نمیدانند که هزینه‌ی تسلیم شدن بمراتب بیشتر از هزینه‌ی مقاومت کردن و ایستادگی کردن است. بله، ایستادگی کردن ممکن است هزینه‌ای داشته باشد، اما دستاوردهای بسیار بزرگی دارد که صدها برابر آن هزینه برای ملت‌ها ارزش دارد؛ اما تسلیم شدن در مقابل دشمن عنود و لجوج و خبیث، جز لگدمال شدن، جز دلیل شدن، جز بی‌هویت شدن هیچ اثری ندارد؛ این را بایستی همه بدانند. این قانون لایتحلف پروردگار است که فرمود: ﴿فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكُمُ أَعْمَالِكُمْ﴾ سست نشوید، دعوت به سازش با دشمن نکنید، خدای متعال شما را برتر قرار داده است و برتر هستید ﴿وَلَنْ يَتَرَكُمُ﴾ - یعنی ﴿لَنْ يَنْقُصَكُم﴾ - خدای متعال برای شما کم

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۹۷/۰۹/۰۴

نمیگذارد در مقابل مجاهدتی که انجام داده‌اید، پاداش این مجاهدت را به‌طور کامل به شما خواهد داد.

### \* مقاومت در برابر دشمن موجب عقب‌رفت اوست

ملت ایران، با تجربه‌ی چهل‌ساله‌ی خود، در مقاومت و ایستادگی پایدار است. ما این را امتحان کرده‌ایم: در مقابل دشمن، «عقب‌نشینی» مشوق دشمن است؛ در مقابل دشمن، «ایستادگی» موجب عقب‌رفت دشمن است. ﴿وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا \* سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ این سنت الهی است: اگرچنانچه در مقابل ظلم و استبداد و زورگویی و خباثتها و جنایتهای جنایتکاران عالم بایستید، قطعاً مجبور به عقب‌نشینی میشوند؛ این قرآن کریم است که به‌عنوان یک سنتِ قطعی تاریخ و سنت الهی از این یاد میکند، و این سنت ان‌شاءالله عملی خواهد شد.<sup>۲</sup>

### \* مقاومت؛ شرط ناامیدسازی دشمن

آن کسانی که از وابستگی ایران به خودشان بهره می‌بردند، امروز با ما دشمنند؛ دشمن خونی! آن کسانی که از عقب‌ماندگی ملت ایران منتفع میشدند، امروز با ما دشمنند؛ دشمن خونی، دشمن آشتی‌ناپذیر. البته این دشمنی ممکن است تا قیامت طول نکشد، ﴿عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ

۱. بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع) ۱۳۹۷/۰۴/۰۹

۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۷/۰۷/۲۵

**مَوَدَّة**؛ ممکن است یک وقتی اتفاق بیفتد در آینده - صد سال دیگر، پنجاه سال دیگر، نمیدانیم - که این دشمنی از بین برود؛ اما شرط از بین رفتن دشمنی چیست؟ این که او ناامید بشود یا اصلاح بشود؛ که حالا این [اصلاح شدن] بعید است، اصلاح شدن ابرقدرت‌ها بعید است. خب پس این دشمنی هست. آن درسی که ما باید بگیریم که بهنگام عمل بکنیم، آن مبنی بر این است که دشمن را بشناسیم، سمت و سوی کار دشمن را بدانیم، آن قدر بصیرت پیدا کنیم که هر حرکتی که دشمن انجام میدهد، بفهمیم که هدفش چیست. اگر متوجه ما و متعرض به ما است، علاج کنیم آن را، بایستیم، مقاومت کنیم؛ این وظیفه‌ی ما است.<sup>۱</sup>

### \* مقاومت؛ شرط اول پیروزی ملت‌ها

اگر حادثه‌ی نوزده دی قم نمیبود، آن حوادث گوناگون شهرستانها و سلسله‌ی اربعین‌ها که مردم را به میدان مبارزه کشاند، به وجود نمی‌آمد. اگر آن تحولات و آن حوادث نبود، ۲۲ بهمن به وجود نمی‌آمد، انقلاب اسلامی به پیروزی نمیرسید. انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، چالش با استکبار شروع شد، هیبت استکبار شکست، هیبت آمریکا و صهیونیسم شکست. اگر این شکسته شدن هیبت پوشالی ابرقدرتها - که با هیبت خودشان بیش از واقعیت وجود خودشان در دنیای انسانها تصرف میکنند - مسلمانها را در کشورهای مختلف به فکر انداخت و بیدار کرد، ایستادگی مردم ایران، مظلومیت ملت

۱. بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۵/۱۰/۱۹

ایران در حوادث مختلف، در جنگ تحمیلی، در دوران سخت توأمان دفاع مقدس و تحریم - اینکه ملت ایران اینجور محکم ایستادند، با ثبات پیش رفتند - ملتها را تکان داد. اگر این ثبات نبود، اگر این ایستادگی نبود، اگر این به چالش کشیدن هیبت دروغین ابرقدرتها نبود، ملتها وارد میدان نمیشدند؛ بیداری اسلامی به وجود نمی‌آمد؛ این حوادثی که امروز منطقه را دارد دگرگون میکند و نقش جدیدی میزند، به وجود نمی‌آمد. حوادث از یک نقطه شروع میشود و زنجیره‌وار پیش میرود. اگر استقامت بود، صبر بود، تداوم در راه بود، استمرار عمل بود، آن وقت همه‌ی خیرات و همه‌ی برکات بر آن مترتب میشود. ایستادگی شرط اول است. ملتها در راهی که شروع میکنند، باید استقامت کنند؛ «فلذلک فادع واستقم كما امرت». در قرآن کریم، دستور استقامت به نبی مکرم اسلام در جاهای متعددی داده شده است؛ سرش همین است. باید ایستاد، باید ثبات به خرج داد، باید راه را گم نکرد، هدف را همواره در مقابل چشم داشت و به‌طور مستمر باید پیش رفت. اگر این شد، پیروزی‌ها پی‌درپی پیش خواهد آمد؛ همچنان که برای ملت ایران پیش آمده است.

### \* پیروزی قطعی جبهه حق در صورت تداوم مقاومت

در بین مجموعه‌ی این حرکاتی که در اطراف جهان وجود دارد؛ این آمیختگی حق و باطل، این تسلط و هیمنه‌ی ظالمانه و شیطانی انسانهای شیطان‌صفت بر زندگی دیگران؛ در این فضای کذائی، که فضای استکبار است،

همان فضای نظام سلطه است که ما بارها تکرار کرده‌ایم، یک ملتی پیدا شده که حرف حق میزند، دنبال حق است، دنبال حقوق انسانهاست، دنبال استقرار عدالت است. این ملت، ملت عزیز ایران است؛ به برکت اسلام، به برکت انقلاب. ملت ایران پای این حرف ایستاده است. به خاطر ایستادگی ملت ایران، این فکر بتدریج جای خود را در این منطقه باز کرده، بلکه در جهان باز کرده؛ حالا ما در این منطقه‌اش را داریم می‌بینیم. این یک حقیقتی است.

بدیهی است که شیطانهای عالم دست برنمی‌دارند؛ تا وقتی از پا نیفتند، دست برنمی‌دارند. حکومت منحرف و کج و غلط شوروی تا وقتی بود، مثل همین نظام لیبرال سرمایه‌داری و - به قول خودشان - لیبرال دموکراسی، با اسلام و جمهوری اسلامی مخالف بود. میدانید اینها در صد تا مسئله با هم مخالف بودند، اما در چند مسئله با همدیگر توافق داشتند؛ یکی از آن مسائل و در رأس آنها، مبارزه‌ی با قیام اسلام و پیشرفت اسلام و نظام جمهوری اسلامی بود. ولی خب، نظام منحرف شیطان‌ی شوروی نابود شد، این یکی هم نابود خواهد شد؛ اما تا هستند، زور خودشان را میزنند و همه‌ی همت خودشان را به میدان می‌آورند برای مقابله‌ی با نظام اسلامی؛ البته بلاشک بی‌فایده است. اگر این طرف ایستادگی داشته باشد، صبر داشته باشد، امید را در دل خود از دست ندهد و دنبال کند، قطعاً پیروزی با این طرف است؛ این یکی از سنتهای الهی است. خدای متعال صادق است، اصدق القائلین است: ﴿وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ﴾ ﴿ان تنصروا الله ينصركم﴾.

یک جبهه‌ای دارد حق را تعقیب میکند، دنبال میکند؛ جبهه‌ی مقابل او به دنبال باطل است. یک وقت هست که این جبهه‌ی حق می‌ترسند؛ خب بله، معلوم است که شکست می‌خورند؛ حقند، اما شکست می‌خورند. یک وقت هست که بی‌صبری نشان می‌دهند، البته شکست می‌خورند؛ یک وقت حرف حق دارند، اما به لوازش عمل نمیکنند، دنبال دنیا و مادیت و عشرتند، البته شکست می‌خورند. خدای متعال چک سفیدی نداده است که شما چون برحقید، حتماً پیروز خواهید شد؛ نه، شما پیروز خواهید شد، چون برحقید، و چون ایستادگی میکنید. اگر بایستید، پیروز خواهید شد. ولی تا فرا رسیدن آن پیروزی نهائی، مبارزه، درگیری و چالش ادامه دارد!

## \* مقاومت در برابر استکبار عامل جلب رحمت الهی

خداوند متعال روح و دل ملت مسلمان را در آغاز بعثت با رحمت، عنایت و با توجه خود آماده کرد برای ورود در این میدانهای دشوار؛ ﴿وَالَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَةٌ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا﴾. رحمت الهی به مسلمانها و به مؤمنین به او و به بندگان او این است که اگر آنها دل از برخی دلبستگی‌های کوچک و ضعیف بکنند و در مقابل موج کفر و فساد و استکبار بایستند، خدای متعال به آنها کمک می‌کند؛ همچنان که کمک کرد. هیچ‌کس باور نمی‌کرد در قلب دنیای اسلام، آن جایی که از اطراف در زیر فشارهای امریکا و صهیونیسم بود، قدرت اسلام به صورت جمهوری اسلامی

سربلند کند. این نهال غرس شد، رویید، ثمربخش و تناور شد و روزبه روز به فضل پروردگار و به حول و قوه‌ی الهی و علی‌رغم دشمنان اسلام تناورتر و مستحکمتر خواهد شد؛ این تجربه‌ای است در پیش روی ما!<sup>۱</sup>

### \* مقاومت، عامل رسیدن کمک‌های غیبی

ما در جبهه‌های جنگ هم جوان‌های خودمان را می‌دیدیم که به مدد غیبی و به توجه و نظر لطف ولی‌عصر (ارواح‌نفاذ) اعتقاد داشتند و از همان اعتقاد و از همان قوت قلب هم استفاده می‌کردند و توانایی مضاعف پیدا می‌کردند و پیش می‌رفتند. البته اعتقاد به کمک غیبی اگر معنایش این است که انسان بیکار بماند، درها را ببندد و منتظر باشد که از غیب کمک بشود، بداند که از غیب هم کمکی نخواهد شد؛ «وما جعله الله الا بشری لکم ولتطمئن قلوبکم به». کمک غیبی در میدان جنگ، در میدان چالش‌های سیاسی و در ایستادگی ملت‌هاست که به سراغ انسان می‌آید. اگر بایستید، کمک غیبی هم هست.<sup>۲</sup>

### \* مقاومت همراه با ایمان، عامل پیشرفت و پیروزی

نظام جمهوری اسلامی، نظامی است که می‌خواهد سعادت مجموعه‌های انسانی را با همان پیامی که پیغمبران در طول تاریخ نبوتها آورده‌اند و به بشر رسانده‌اند، تأمین کند؛ و عملاً دارد پیام پیامبران را در مقابل پیام طواغیت عالم تصدیق میکند.

۱. در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۳/۰۶/۲۳

۲. در دیدار اقدار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان ۲۹/۰۶/۱۳۸۴

طواغیت امروز هم هستند و بر اینها گران می‌آید و مقابله و معارضة میکنند. راه پیروزی در این چالش و رویارویی هم جز >ایستادگی همراه با ایمان و باور به خود و باور به راه خود< نیست؛ باید راه را باور داشته باشیم: ﴿أَمِنَ الرَّسُولُ بَمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مِنَ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمِنَ بِاللَّهِ﴾؛ یعنی آحاد مؤمنین به این راه، دست به دست هم بدهند و ایستادگی کنند؛ ایستادگی نشان بدهند.

این راه پیشرفت و پیروزی است. اگر این کار را بکنند، پیروزی قطعی است. ما این را در طول این بیست و هفت سال تجربه کرده‌ایم. در میدانهای گوناگون، آنجایی که حرف خودمان را باور داشته‌ایم و پای آن حرف ایستاده‌ایم، آنجا پیش رفته‌ایم. در دفاع مقدس همین پیش آمد؛ در حفظ اساس این نظام مقدس، همین پیش آمده؛ در پیشرفت روز به روز، بلکه ساعت به ساعت کشور در زمینه‌های مختلف، همین پیش آمده است. امروز شاخصهای پیشرفت و توسعه را که ما در کشورمان نگاه کنیم و با اول انقلاب مقایسه کنیم، اصلاً قابل مقایسه نیست. آن روز حدس هم نمیشد زد که با وجود آن مشکلاتی که سر راه هست، بشود به این نقطه رسید؛ اما به توفیق الهی رسیدیم. این، بر اثر ایستادگی همراه با باور بود؛ و راهش همین است. اگر مسؤولان کوتاهی کنند، این جزو گناہانی است که تأثیرش نه فقط برای اشخاص خودشان، بلکه برای ملت، تأثیر مخربی خواهد بود.<sup>۱</sup>

## \* ایمان همراه با مقاومت، لازمه پیروزی

ایستادگی وسیله‌ی پیروزی است، منتها کسانی که مقاومت میکنند، باید از خطرات مقاومت نترسند. اگر ترسیدند، در مقاومتشان اختلال پیدا خواهد شد و پیروزی به دست نخواهد آمد و این، آفت اغلب ملتها و جماعات است، که وسط راه دچار ترس میشوند. اگر آن گروه، ملت و جماعتی که میخواهد مقاومت کند، از فقدان لذایذ زندگی، از فقدان حیات و از فقدان راحتی نترسد و ناراحت و آشفته نشود و پیش برود، بدون تردید مقاومت با پیروزی همراه است. این مقاومت وقتی با ایمان باشد، ادامه پیدا خواهد کرد. لذا میگوییم و همیشه گفتیم که ایمان همراه با مقاومت، به دنبالش پیروزی است. مراد ما فقط ایمان دینی هم نیست؛ ایمان به هر اصلی. البته اگر ایمان دینی باشد، آن وقت خدای متعال وعده کرده است که همه‌ی قوانین طبیعت و تاریخ در خدمت این مقاومان قرار خواهد گرفت: «من کان یرید العاجلة عجلنا له فیها و نشاء لمن نرید»؛ این مربوط به کسانی است که دنیا را میخواهند، نیتشان دنیایی است؛ اما اراده دارند، میخواهند و خدا میدهد؛ و کسی که اراده‌ی دین دارد، همین طور است.

﴿كَلَّا نَمْد هُوَلاءِ و هُوَلاءِ﴾ این سنت الهی است!



بخش پنجم

مقاومت ملت ایران

## \* ملت ایران؛ امت الگوی مقاومت

ما هنوز اول راه قرار داریم؛ امروز کارهای فراوان و عظیم و قدمهای بلند در انتظار ماست. واقعاً دنیای اسلام به رهبری احتیاج دارد؛ آن رهبری را هم این ملت باید بکند. قرآن میفرماید: ﴿لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾. بنده همیشه در ذهنم بود که این امت چگونه میتواند شهید و گواه باشد - شهید، یعنی نمونه و الگو - بعد در قضایای گوناگون خودمان دیدم اتفاقاً اگر بخواهیم امتهای و ملتهای را هدایت کنیم، یک ملت باید بتواند الگو باشد.

قضیه جنگ ما خیلی هارا منقلب کرد. این جوانان ما، این فداکاری ها، این ایستادگی در جنگ، این ایستادگی در میدان سیاست، این مرعوب نشدن در مقابل تشرهای استکبار و امریکا، امروز چیز کمی نیست. نظام جمهوری اسلامی در مقابل مقتدرترین قدرت مادی دنیا ایستاده و اصلاً نمی خواهد جنگ آوری و معارضه کند؛ اتفاقاً به نقطه قوت خودش تکیه میکند. آنها بدشان نمی آید که ما به نقطه ضعف خود - یعنی نیروی مادی و سلاح - تکیه کنیم. ما به نقطه قوت خود تکیه میکنیم؛ یعنی به ایمان و اعتقاد و همراهی و همکاری مردم با حکومت. در این میدان، ما عقب

نیستیم. ما توانسته‌ایم مقاومت کنیم و بعد از این هم بحمدالله میتوانیم. این میشود شهید؛ این میشود برای ملت‌ها الگو؛ این میشود یک راه در دنیا برای تماشاگران تا آن را ببینند. کسانی جرأت می‌کنند و قدم می‌گذارند؛ اما ممکن است کسانی هم جرأت نکنند قدم بگذارند. بالاخره راه ترسیم شده است؛ این مهم است که راهی ترسیم شود. بنابراین با این آینده و با این انتظارات جهانی و تاریخی، نظام اسلامی و انقلاب اسلامی کارهای خیلی بزرگی در پیش رو دارد.<sup>۱</sup>

### \* تعلق نصرت الهی به مقاومت ملت ایران

از اول انقلاب، قدرتهای مادی درجه‌ی یک دنیا روبه‌روی نظام جمهوری اسلامی بودند و نتوانستند کاری بکنند. انقلاب وقتی در یک کشوری وارد بشود، طبیعت انقلاب این است که یک مقدار آشفتگی و نابسامانی به وجود می‌آورد. اینها در آن روزهای نابسامانی اول، سعی کردند کشور را تجزیه کنند؛ سعی کردند کودتا کنند، نشد؛ جنگ تحمیلی را راه انداختند و هشت سال جنگ بر این مملکت تحمیل کردند؛ از همان روزهای اول تحریم کردند؛ این تحریم‌هایی که شما می‌بینید، دنباله‌ی تحریم‌های اولی است و البته روزبه‌روز هم تشدید کردند. خب، کدام کشور میتواند ایستادگی کند؟ کدام کشور میتواند در مقابل این همه تهدید مقاومت کند؟ اما نظام جمهوری اسلامی و ایران اسلامی مقاومت کرد؛ نه فقط خود را نگه داشت، خود را تقویت کرد.

---

۱. در دیدار اعضای هیئت علمی کنگره امام خمینی (ره) ۱۳۷۸/۱۷/۴

امروز قدرت جمهوری اسلامی با روزهای اوّل قابل مقایسه نیست؛ به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، در یک مواردی یک قدرت جهانی؛ در یک مسائلی کشور شما یک قدرت جهانی است؛ در عداد قدرتهای جهانی است؛ نظر و رأیش در برخی از مسائل عالم از نظر و رأی قدرتهای درجه‌ی یک دنیا مؤثرتر است؛ امروز این جوری است؛ تبدیل شده به یک چنین چیزی. یعنی نصرت الهی آمد، ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ﴾ ای که شما کردید، دنبالش «تَنْصُرْكُمْ» را آورد، خدا یاری کرد شما را؛ اگر خدا یاری نمیکرد نمیشد. این ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ﴾ را ادامه باید داد.

### \* ظهور نصرت الهی در تجربه مقاومت ملت ایران

اگر برای خدا پا در میدان گذاشتید و ایستادگی کردید، پیروزی قطعی است؛ ﴿وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلُوا الْأُدْبَارَ ثُمَّ لَا يجدون وليًا ولا نصيرًا. سَنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِ و لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ این فقط مربوط به ماجرای جنگ صدر اسلام نیست که ﴿وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلُوا الْأُدْبَارَ﴾ سنّت الله است.

بله، آن وقتی که ما حرف حساب خودمان را بلد نباشیم، ندانیم، یا بلد نباشیم بگوئیم و طرح کنیم، یا پای آن حرف نایستیم، یا وسط راه با وسوسه‌های شیطنانی یا وسوسه‌های نفس یا تبلی‌ها پاسست کنیم، مجاهدت به جایی نخواهد رسید؛ معلوم است. بحث بر سر آنجائی است که: ﴿لِيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ﴾ دیگر از این تأکید، بالاتر نمیشود. اگر نصرت خدا بکنیم - نصرت خدا با

فکر کردن، اندوختن اندیشه‌های ناب، مطرح کردن درست آن در عالم، پای آن ایستادن، تدبیر برای پیشبرد آن به کار بردن، در مقابل خطرات آن سینه سپر کردن ﴿لینصرنّ الله﴾ خدای متعال حتماً و قطعاً نصرت خواهد کرد.

معنای <لینصرنّ> این است؛ یعنی خدا حتماً و قطعاً نصرت میکند. ﴿و من اصدق من الله قیلاً﴾ از خدا راستگوتر کیست؟ ملت ایران اینها را در عمل تجربه هم کرده است. اگر شما ملت عزیز ما، شما جوانهای خوش‌روحیه و پرتوان و عازم، در این راهی که دارید می‌روید، ایستادگی کنید، شک نکنید که در زمان خود، در زمان متناسب، تمام آمل و آرزوها و داعیه‌ها و شعارهای ملت ایران نه فقط نسبت به خود این کشور، بلکه نسبت به دنیای اسلام و امت اسلامی و جامعه‌ی بشری تحقق پیدا خواهد کرد.<sup>۱</sup>

## **\* پیروزی مقاومت ملت ایران؛ نشانه تخلف ناپذیر بودن وعده الهی**

کسانی که در گذشته‌ئی نه چندان دور آیه‌ی یأس می‌خواندند و نه تنها اسلام و مسلمین بلکه اساس معنویت و دینداری را در برابر هجوم تمدن غرب، از دست‌رفته می‌پنداشتند، امروز سر بر افراشتن اسلام و تجدید حیات قرآن و اسلام، و متقابلاً ضعف و زوال تدریجی آن مهاجمان را به چشم می‌بینند. و با زبان و دل تصدیق میکنند.

من با اطمینان کامل می‌گویم: این هنوز آغاز کار است، و تحقق

کامل وعده‌ی الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾.

نشانه‌ی این وعده‌ی تخلف‌ناپذیر در اولین و مهمترین مرحله، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و بنای بلندآوازه‌ی نظام اسلامی بود که ایران را به پایگاه مستحکمی برای اندیشه‌ی حاکمیت و تمدن اسلامی تبدیل کرد. سر بر آوردن این پدیده‌ی معجزآسا، درست در اوج هیاهوی مادیگری و اسلام‌ستیزی‌چپ و راست فکری و سیاسی، و آنگاه مقاومت و استحکام آن در برابر ضربات سیاسی و نظامی و اقتصادی و تبلیغاتی که از همه سو نواخته میشد، در دنیای اسلام امیدی تازه برانگیخت و شوری در دلها پدید آورد. هر چه زمان گذشته، این استحکام - به حول و قوه‌ی الهی - بیشتر و آن امید ریشه‌دارتر شده است. در طول سه دهه‌ئی که بر این ماجرا میگذرد، خاورمیانه و کشورهای مسلمان آسیا و آفریقا، صحنه‌ی این هم‌اوردی پیروزمندانه است.<sup>۱</sup>

## \* حصول دستاوردهای درخشان جمهوری اسلامی در سایه مقاومت

آن روز که اسلام در ایران پیروز شد و توانست دژ آمریکاو صهیونیزم

را در یکی از حساسترین کشورهای این منطقه‌ی بسیار حساس فتح کند، اهل عبرت و حکمت دانستند که اگر صبر و بصیرت را به کار گیرند، فتوحات دیگری در پی فرا خواهد رسید؛ و فرارسید. واقعیت‌های درخشان در جمهوری اسلامی که دشمنان ما بدان اعتراف میکنند، همه در سایه‌ی اعتماد به وعده‌ی الهی و صبر و مقاومت و استمداد از خداوند به دست آمده است. مردم ما همواره در برابر وسوسه‌ی ضعفائی که در مقاطع اضطراب‌انگیز، ندای: «**اَنَا لِمَدْرُكُونَ**» سر میدادند، نهیب زده‌اند که: «**كَلَّا اِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ**»

امروز این تجربه‌ای گرانبها در دسترس ملت‌هائی است که در برابر استکبار و استبداد قد علم کرده و توانسته‌اند حکومت‌های فاسد و گوش‌به‌فرمان و وابسته به آمریکا را سرنگون ساخته یا متزلزل کنند. ایستادگی و صبر و بصر و اعتماد به وعده‌ی: «**وَلِيُنصِرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ اِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيْزٌ**» خواهد توانست این مسیر افتخار را تا رسیدن به قله‌ی تمدن اسلامی، در برابر امت اسلامی هموار کند.

### **\* جمهوری اسلامی، دولت مقاومت است**

ما امروز «دولت مقاومت» ایم. دولت مقاومت خیلی مهم است. دولت مقاومت با فلان سازمان مقاومت فرق دارد، با فلان جریان مقاومت در فلان کشور فرق دارد، با فلان شخصیت مقاومت فرق دارد. [البته] با آنها هم دشمنند؛ استکبار جهانی که اهل زیاده‌طلبی است، اهل تجاوز است،

اهل دست‌اندازی به همه‌ی ثروتهای مادی و معنوی ملت‌های عالم است، با هر عنصر مقاومت مخالف است، [لذا] با سازمان‌های مقاومت هم مخالف است، با انسان‌های مقاوم هم مخالف است، اما اینها کجا و دولت مقاومت که بر اساس مقاومت تشکیل بشود، کجا! جمهوری اسلامی دولت مقاومت است؛ دولت مقاومت که سیاست دارد، اقتصاد دارد، نیروی مسلح دارد، حرکات بین‌المللی دارد، منطقه‌ی نفوذ وسیع در درون کشور و بیرون کشور دارد؛ این بسیار مهم است، و با هیچ عنصر مقاومت دیگری قابل مقایسه نیست. برای همین است که دشمنی‌ها از همه‌جای دنیا - چه از سوی قدرت‌طلبان، چه از سوی نوکران قدرت‌طلبان - متوجه جمهوری اسلامی است. خب، <دولت مقاومت> یعنی چه؟ یعنی تسلیم زورگویی نشدن، تسلیم زیاده‌طلبی نشدن، در موضع اقتدار ایستادن. دولت مقاومت در موضع اقتدار قرار می‌گیرد. ببینید، دولت مقاومت نه اهل تجاوز است، نه اهل سلطه‌طلبی و دست‌اندازی به ملت‌ها و کشورها است، نه اهل فرو رفتن در لاک دفاعی و موضع انفعال است؛ هیچ‌کدام از اینها نیست. بعضی خیال میکنند اگر ما بخواهیم خودمان را از تهمت سلطه‌طلبی و اقتدارطلبی بین‌المللی و منطقه‌ای برکنار کنیم، باید برویم در لاک دفاعی؛ این جوری نیست. در لاک دفاعی نمی‌رویم، در موضع انفعال قرار نمی‌گیریم، بلکه ما در موضع **﴿أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾** قرار می‌گیریم. در موضعی قرار می‌گیریم که در این آیه‌ی شریفه از آن تعبیر شده است به **﴿تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾**؛ <تُرْهَبُونَ بِهِ> یعنی

چه؟ «تُرْهَبُونَ بِهِ» همان چیزی است که در ادبیات سیاسی امروز به آن «قدرت بازدارندگی» می‌گویند. جمهوری اسلامی در جایگاهی قرار می‌گیرد که دارای قدرت بازدارندگی است؛ دارای اقتدار بازدارنده است؛ می‌خواهند این اقتدار نباشد. آنچه جمهوری اسلامی دارد، آنچه تاکنون تحصیل کرده است - که با ابتکار خود و با همت خود تحصیل کرده است و رهین منت هیچ دولت و هیچ قدرت دیگری نیست - برای بازدارندگی و برای داشتن اقتدار بازدارنده به دست آورده است و تحصیل کرده است، بعد از این - هم در این راه پیش خواهد رفت.<sup>۱</sup>

---

۱. بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (علیه السلام)، ۱۳۹۶/۰۲/۲۰



بخش ششم

الگوها و ظهورات  
مقاومت

## \* خداوند مظهر کامل مقاومت

هم امروز و هم در طول تاریخ، همه بدبختیهای بشر ناشی از آتشیهای درونی انسانهای طاغی و سرکش است، که از وجود آنها شعله می‌کشد و پیرامون آنها را می‌سوزاند و انسانها و عالم را از بین می‌برد. ببینید این قدرتهای استکباری، این قدرتهای سیاسی و نظامی و مالی عالم با این بشریت چه می‌کنند! ببینید امروز دولتها و اشخاص و مجموعه‌های مستکبر برای تحقق خواسته‌های خودشان، با بشریت چه می‌کنند! چقدر ملتها را اسیر می‌کنند! چقدر ملتها را گمراه می‌کنند و به سمت شهوات سوق می‌دهند! اینها ابزارهای بدبختی و تیره‌روزی بشر است که در دست انسانهای طغیانگر قرار دارد.

به همین علت است که اسلام در اولین ردیف فهرست کارهای واجب، مجاهدت در راه خدا را قرار می‌دهد. ﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ﴾؛ در راه خدا آن چنان که شایسته است، مجاهدت کنید. این مجاهدت، هم مجاهدت درون خود، هم مجاهدت در محیط بیرون، هم مقاومت در مقابل زورگویان و ستمگران و هم مقاومت در مقابل موانع طبیعی است. خدا مظهر کامل

آن همه ایستادگی در مقابل قدرتهای ستمگر و ظالم است. سالهای متمادی، مستکبران و قلدران و زورگویان عالم سعی کردند جهاد را از فرهنگ اسلامی خارج کنند؛ جهاد را زشت کنند؛ مجاهده فی سبیل الله را از چشمها بیندازند و هر جا گروهی در راه خدا قیام کرد و کمر به خدمت بست و برای خیر بشریت و آبادی روی زمین در پرتو احکام الهی حرکت کرد، متهمس کنند!

### \* مسجد به عنوان هسته و پایگاه مقاومت

یک مسئله‌ی دیگر در مورد مسجد عبارت است از هسته‌ی مقاومت. مقاومت وقتی گفته میشود، فوراً ذهن میرود به مقاومت نظامی و امنیتی و امثال اینها. خب بله، آن هم قطعاً مقاومت است، اما بالاتر از آن، مقاومت فرهنگی است. حصار فرهنگی، خاکریز فرهنگی در کشور اگر سست باشد، همه چیز از دست خواهد رفت. من به شما عرض بکنم: امروز بعد از ۳۷ سال، ۳۸ سال از پیروزی انقلاب، انگیزه‌ی دشمنان برای نفوذ در حصار فرهنگی از روز اوّل بیشتر است؛ نه اینکه کم نشده، قطعاً زیاد شده؛ روشها را هم که شما می‌بینید: این شیوه‌های فضای مجازی و تبلیغات گوناگون و ماهواره و امثال اینها؛ [یعنی] انگیزه‌ها بیشتر شده. آماج این حرکت هم درست همان چیزی است که مایه و هسته‌ی اصلی ایجاد نظام اسلامی شد؛ یعنی ایمان دینی، آماج این است. مسجد پایگاه بزرگ بسیج فرهنگی و حرکت فرهنگی است؛

شیوهی کار را باید در مسجد آموخت که چه کار کنیم. اولاً به شما عرض بکنم حرفی که شما با مومنین خودتان و مسجدی‌های خودتان میزنید، از نطق تلویزیونی و مانند اینها بمراتب کارآمدتر و مؤثرتر است؛ بارها این را عرض کرده‌ایم که نگاه چشم در چشم و جلسه‌ی نزدیک که نفس گوینده به شنونده میخورد، یک چیز دیگری است؛ این فقط هم در اجتماعات ماتجلی دارد؛ البته در کل اسلام در نمازهای جمعه و امثال اینها این هست، لکن در بین شیعه، بُروز و ظهور بیشتری دارد. این مجالس روضه خوانی، مجالس وعظ و خطابه، مجالس گوناگون خیلی چیزهای مهمی است؛ اینها را دست‌کم نباید گرفت، هم از فضای مجازی مؤثرتر است، هم از صداوسیما مؤثرتر است، منتها خب دایره‌اش محدود است؛ اگرچنانچه این سلسله‌ی عظیم، این تشکیلات عظیم خوب کار کند و در همه جا کار کند، تأثیراتش بر همه‌ی اینها فائق خواهد آمد و میتوانید شما این جوان را، این مخاطب را به معنای واقعی کلمه مصونیت ببخشید و میتوانید او را در مقابل این میکروب‌ها و این ویروس‌هایی که به‌طور دائم دارد سرازیر میشود به‌طرف این کشور و طرف این نظام واکسینه کنید. بنابراین [مسجد] هسته‌ی مقاومت است، منتها مقاومت بانواعه؛ مقاومت فرهنگی، مقاومت سیاسی، و در جای خود هم مقاومت امنیتی و نظامی؛ کما اینکه در مساجد [اینگونه بوده].

این آماری که جناب آقای حاج‌علی‌اکبری گفتند، خیلی آمار مهمی است؛ اینکه ایشان گفتند که ۹۷ درصد از شهدای ما مسجدی بوده‌اند - اگر تحقیق بشود - این خیلی حرف مهمی

است. از هر صنفی: دانشجو است مسجدی است، کاسب است مسجدی است، دانش‌آموز دبیرستانی است مسجدی است. از مسجد حرکت کردن و راه افتادن و رفتن به میدانهای جنگ و جان خودشان را کف دست گرفتن، به زبان آسان است؛ جان در کف دست گرفتن، جان فدا کردن به زبان [آسان است]؛ **«وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ»**، انسان خب میگوید که بله ما جانمان [را می دهیم]؛ آن وقتی که در مقام عمل مواجه میشود با مرگ، جور دیگری است، خیلی سخت است. این جوانها از مسجد رفته‌اند و جان خودشان را در راه خدا داده‌اند؛ نقطه‌ی عزیمت عبارت است از مسجد؛ خیلی حرف بزرگی است، حرف مهمی است. بنابراین مسجد، [هم] پایگاه مقاومت است، هم [پایگاه] رشد فعالیت‌های فرهنگی و هدایت فرهنگی و بصیرت فرهنگی [است].<sup>۱</sup>

### \* مقاومت در راه حق، درسی از بعثت پیامبر ﷺ

وقتی که در مرحله‌ی اول بعثت، بعد از آنی که با گذشت سه سال یا بیشتر - که دعوت پنهانی بود، مخفی بود - پیغمبر توانسته بود سی، چهل نفر را مسلمان بکند، بعد امر الهی آمد که: **«فاصدع بما تؤمر و اعرض عن المشرکین. انا کفیناک المستهزئین»**. علنی کن، برو توی میدان، پرچم را به دست بگیر و کار را علنی کن. پیغمبر آمد وسط میدان و قضایائی که شنیده‌اید. بزرگان و صنایع قریش و زرمندان و زورمندان آن جامعه به خود ترسیدند و لرزیدند. اولین کاری که کردند، تطمیع

۱. در دیدار جمعی از ائمه جماعات مساجد استان تهران ۱۳۹۵/۵/۳۱

آن بزرگوار بود. آمدند پیش جناب ابی‌طالب گفتند که این برادرزاده‌ی تو اگر ریاست می‌خواهد، ما ریاست مطلق خودمان را به او می‌دهیم؛ اگر ثروت می‌خواهد، آنقدر به او ثروت می‌دهیم که از همه‌ی ما ثروتمندتر بشود؛ اگر مایل است پادشاهی کند، ما او را به عنوان پادشاه خودمان انتخاب می‌کنیم. بگوئید از این حرفهائی که می‌زنند، دست بردارد. جناب ابی‌طالب که بر جان پیغمبر میترسید و از توطئه‌ی آنها بیمناک بود، پیش پیغمبر آمد و گفت بزرگان مکه این پیغام را دادند؛ شاید نصیحت کرد، توصیه کرد که حالا شما هم یک خرده‌ای کوتاه بیائید؛ این ایستادگی به این اندازه دیگر چرا؛ لازم نیست. پیغمبر فرمود: «یا عمّ! واللّه لو وضعوا الشّمس فی یمینی و القمر فی شمالی لاعرض عن هذا الامر لا افعله حتّی اظهره الله او یدهب بما فیه» عموجان! اگر خورشید را در دست راست من بگذارند، ماه را در دست چپ من بگذارند، برای اینکه من از این هدف دست بکشم، سوگند به خدا این کار را نمی‌کنم؛ تا وقتی یا خدا ما را پیروز کند یا همه‌ی ما از بین برویم.

بعد در روایت دارد که «مّا غرورقت عیناه من الدّمع»؛ چشم مبارک پیغمبر لبریز اشک شد و از جا بلند شد. ابوطالب این ایمان، این استقامت را وقتی که دید، منقلب شد و گفت: «یا بن اخی اذهب و قل ما احببت»؛ برو هرکاری که می‌خواهی بکن؛ هدف را دنبال کن. «واللّه لا اسلمتک بشیء» سوگند به خدا من تو را با هیچ چیز عوض نمی‌کنم. این ایستادگی، ایستادگی می‌آفریند. این استقامت از پیغمبر، ریشه‌ی استقامت را در ابوطالب مستحکم می‌کند. این پایندی به هدف، نترسیدن از

دشمن، طمع نورزیدن در آنچه که در دست دشمن است، دل نبستن به امتیازی که دشمن می‌خواهد بدهد در مقابل متوقف کردن این راه، ایستادگی می‌آفریند، آرامش به وجود می‌آورد، اعتماد به راه و به هدف و به خدائی که این هدف متعلق به اوست، به وجود می‌آورد. لذا سی، چهل نفر بیشتر نبودند. همین سی، چهل نفر در مقابل آن همه مشکلات، آن همه دشواریها ایستادند و روز به روز زیاد شدند. روز به روز در مکه میدیدند که با عمار چه میکنند، با بلال چه معامله‌ای میشود، سمیه و یاسر چه جور زیر شکنجه قرار میگیرند و شهید میشوند؛ اینها را میدیدند، در عین حال ایمان می‌آوردند. پیشرفت حق اینجوری است. صرفاً در حالت آسایش، در حالت امن و امان پرچم حق را بلند کردن و پای آن سینه زدن، حق پیش نمیرود. حق آن وقتی پیش میرود که صاحب حق، پیرو حق، در راه پیشرفت حق از خود استقامت و استحکام نشان بدهد.

آیه‌ی قرآن می‌فرماید: ﴿مَحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رِحْمَاءٌ بَيْنَهُمْ﴾ اشداء بر کفار معنایش این نیست که با کفار دائم در حال جنگند. اشداء، شدت، یعنی استحکام، استواری، خورده نشدن. یک فلزی زنگ میزند، خورده میشود، پوک میشود، از بین میرود؛ یک فلز هم قرنهای متمادی که بگذرد، دچار خوردگی و زنگ‌زدگی و پوسیدگی و پوکی نمیشود. اشداء یعنی این. شدت یعنی استحکام. استحکام یک وقت در میدان جنگ است، یک جور بروز میکند؛ یک وقت در میدان گفتگوی با دشمن است، یک جور بروز میکند. شما ببینید پیغمبر در جنگهای خود، آنجائی که لازم بود با طرف خود

و دشمن خود حرف بزند، چه جوری حرف میزند. سرتا پای نقشه‌ی پیغمبر استحکام است؛ استوار، یک ذره خلل نیست. در جنگ احزاب پیغمبر با طرفهای مقابل وارد گفتگو شد، اما چه گفتگوئی! تاریخ را بخوانید. اگر جنگ است، با شدت؛ اگر گفتگو است، با شدت؛ اگر تعامل است، با شدت؛ با استحکام. این معنای اشداء علی الکفار است.

رحماء بینهم، یعنی در بین خودشان که هستند، نه؛ اینجا دیگر خاکریز نرم است، انعطاف وجود دارد؛ اینجا دیگر آن شدت و آن صلابت نیست. اینجا باید دل داد و دل گرفت. اینجا باید با هم با تعاطف رفتار کرد.

همان ایستادگی اول بعثت، منجر میشود به استقامت عجیب سه سال در شعب ابي طالب. شوخی نیست؛ سه سال در یک دره‌ای در مجاورت مکه، بدون آب، بدون گیاه، در زیر آفتاب سوزان. پیغمبر، جناب ابي طالب، جناب خدیجه، همه‌ی مسلمانها و همه‌ی خانواده‌هایشان توی این تکه - شکاف کوه - زندگی کردند. راه هم بسته بود که برای اینها غذا نیاید، خوراک نیاید. گاهی در ایام موسم - که بر طبق سنن جاهلی آزاد بود، یعنی جنگ نبود - میتوانستند داخل شهر بیایند، اما تا میخواستند جنسی را در دکانی معامله کنند، ابوجهل و ابولهب و بقیه‌ی بزرگان مکه به نوکرها و فرزندان خودشان سفارش کرده بودند که هر وقت آنها خواستند جنسی را بخرند، شما وارد معامله شوید، دو برابر پول بدهید، جنس را شما بخرید و نگذارید آنها جنس بخرند. با یک چنین وضعیت سختی سه سال را گذراندند. این شوخی است؟

آن استقامت اولی، آن عمود مستحکم این خیمه، آن دل متوکل علی الله است که چنین استقامتی را در فضا به وجود می آورد که آحاد صبر میکنند. شب تا صبح بچه ها از گرسنگی گریه میکردند که صدای گریه بچه ها از توی شعب ابی طالب به گوش کفار قریش میرسید و ضعفای آنها هم دلشان میسوخت؛ اما از ترس اقویا جرئت نمیکردند کمک کنند. اما مسلمان که بچه اش در مقابلش پرپر میزد - که چقدر در شعب مردند، چقدر بیمار شدند، چقدر گرسنگی کشیدند - تکان نخورد. امیرالمؤمنین به فرزند عزیزش محمد بن حنفیه فرمود: «تزول الجبال و لا تزل» کوهها ممکن است تکان بخورند؛ از جا کنده شوند؛ تو از جا کنده نشو. این همان نصیحت پیغمبر است؛ این همان وصیت پیغمبر است. این است راه برخاستن امت اسلامی؛ بعثت امت اسلامی این است. این درس پیغمبر به ماست. بعثت این را به ما تعلیم میدهد. صرف اینکه بنشینیم، بگوئیم آیه ای نازل شد و جبرئیلی آمد و پیغمبر مبعوث به رسالت شد و خوشحال بشویم که کی ایمان آورد و کی ایمان نیاورد، مسئله ای را حل نمیکند. مسئله این است که ما باید از این حادثه - که مادر همه ی حوادث دوران حیات مبارک پیغمبر است - درس بگیریم. همه ی این بیست و سه سال درس است.

من یک وقت به بعضی دوستان گفتم زندگی پیغمبر را میلی متری باید مطالعه کرد. هر لحظه ی این زندگی یک حادثه است؛ یک درس است؛ یک جلوه ی عظیم انسانی است؛ تمام این بیست و سه سال همینجور است. جوانهای ما بروند تاریخ زندگی

پیغمبر را از منابع محکم و مستند بخوانند و ببینند چه اتفاقی افتاده است. اگر شما می‌بینید امتی به این عظمت به وجود آمد - که امروز هم بهترین حرفها، بهترین راهها، بزرگترین درسها، شفافبخش‌ترین داروها برای بشریت توی همین مجموعه‌ی امت اسلامی است - این جور به وجود آمد، گسترش پیدا کرد و ریشه دار شد. و الاً صرف اینکه حق با ما باشد، ما پیش نمی‌رویم؛ حق همراه با ایستادگی. امیرالمؤمنین - بارها من این جمله را از آن بزرگوار نقل کردم - در جنگ صفین فرمود: «لا یحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر» این پرچم را کسانی میتوانند بلند کنند که اولاً بصیرت داشته باشند، بفهمند قضیه چیست، هدف چیست؛ ثانیاً صبر داشته باشند. صبر یعنی همین استقامت، ایستادگی، پابرجائی. این را ما باید از بعثت درس بگیریم.

امام عزیز ما رشح‌های از آن چشمه‌ی فیاض بود که توانست این بساط عظیم را در دنیا راه بیندازد. امام هم قلبش پر بود از ایمان به راه خود. همان طور که فرمود: «آمن الرسول بما انزل الیه من ربه و المؤمنون کلّ آمن بالله و رسله و ملائکته». خود پیغمبر اول مؤمن بود.

در انقلاب ما خود امام بزرگوار، اول مؤمن به این راه بود و از همه قلبش سرشارتر بود از ایمان به این راه و این هدف؛ می‌فهمید، میدانست دارد چه کار میکند؛ عظمت کار را می‌فهمید، الزامات این کار را هم می‌فهمید که اولین الزام این کار این بود که با توکل به خدا در این راه محکم بایستند. محکم ایستاد. جوانان این ملت هم با ایستادگی او ایستادگی پیدا کردند؛ آحاد این مردم هم وقتی که این چشمه‌ی صبر و

سکینه لبریز شد و سرازیر شد، آنها را فرا گرفت. آنها هم ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ﴾ شدند. این سکینه وقتی که بر دل انسانها نازل میشود، ایمان انسان زیاد میشود. بعد میفرماید: ﴿وَلِلَّهِ جُنُودَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾. از چه میترسید؟ سپاه زمین و آسمان مال خداست. با خدا باش، این سپاه زمین و آسمان مال شماست؛ در اختیار شماست. این سنتهای الهی است!

### \* ایام الله؛ نشانه هایی برای اهل مقاومت

یک آیه ی پُر مغز و پُر مضمونی - مثل بقیه ی آیات قرآن - در سوره ی ابراهیم هست. امروز بحث من پیرامون این آیه و آیات بعد از این آیه است. میفرماید که ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ﴾ توصیه میکند، دستور میدهد حضرت موسی را که ﴿ذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ﴾. دو احتمال در معنای ﴿ذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ﴾ هست که در مقصودی که ما از این آیه داریم فرقی نمیکند. یک احتمال این است که منظور این است که ایام الله را به یاد آنها بیاور؛ یک احتمال هم اینکه مقصود این است که به وسیله ی ایام الله خدا را، دین را، قیامت را به یاد آنها بیاور.

اهمّیّت ایام الله در اینجا معلوم میشود که موسی پیامبر عظیم الشان الهی مأمور است که ایام الله را به یاد مردم بیاورد. بعد میفرماید: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾. ایام الله آیه اند، نشانه اند، دلیل راهنند. برای چه کسانی؟ برای کسانی که

این دو صفت را دارند: صَبَّارند و شکورند. صَبَّار یعنی کسی که سر تا پا استقامت و صبر است، یکسره اهل صبر و استقامت، شکور یعنی آن کسی که نعمت را می‌شناسد و شکرگزاری میکند که حالا درباره‌ی این شکرگزاری من عرایضی خواهم کرد. بعد در آیه‌ی بعد میفرماید که حضرت موسی این دستور را عمل کرد: ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ﴾ به یاد آنها آورد نجاتشان از دست فرعون را، فرعونیان را، از دست قدرت فائقه و غالب ستمگر را که چطور شما را نجات داد؛ این از ایام الله است یکی از نمونه‌های ایام الله این است: ﴿وَإِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ﴾. پس این [روز] یکی از ایام الله شد؛ آن وقتی که جوامع و انسانها و اقوام از دست قدرتهای ستمگر نجات پیدا میکنند. بعد دنباله‌ی این ندای عمومی پروردگار است، صدای بلند خدا است: ﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ﴾، ﴿تَأَذَّنَ﴾ یعنی با صدای بلند خدای متعال به همه اعلان میکند که ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾؛ اگر شکرگزاری کردید، ما آن نعمتی را که به شما دادیم این را روزبه‌روز افزایش خواهیم داد، زیاد میکنیم؛ ﴿وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾ اما اگر کفران نعمت کردید، وظایف شکر را به جا نیاوردید، آن وقت آنجا عذاب الهی است، مشکلات فراوانی است که برای شما پیش خواهد آمد.

بعد در آیه‌ی بعد هم نتیجه‌ی کلی از این مطالب را میفرماید که: ﴿وَقَالَ مُوسَى إِنَّ تَكْفُرًا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾ این که ما میگوییم شکرگزار باشید، این که میگوییم مراقب نعمت خدا باشید، نعمت خدا را از یاد نبرید، این برای خود شما است وَاَلَا خدای متعال بی‌نیاز است.

خب، ایام الله مهم است؛ بنده میخواهم درباره‌ی ایام الله صحبت کنم؛ برای چه کسانی؟ برای مردمی که صبارند و شکورند. صبارند یعنی یکپارچه اهل استقامت و صبرند، به اندک چیزی از میدان خارج نمیشوند، ایستادگی میکنند. شکورند، یعنی اولاً نعمت را میشناسند، ابعاد پنهان و آشکار نعمت را میبینند؛ ثانیاً قدرشناس نعمتند، یعنی ارزش این نعمت را، وزن این نعمت را، قیمت این نعمت را میدانند؛ ثالثاً بر اساس آن احساس مسئولیت میکنند، بر اساس این نعمتی که خدا داده، احساس مسئولیت میکنند؛ ملّتی، جمعیتی، قومی که بی‌صبر نیستند، مسئولیت‌ناشناس نیستند. این آیات، آیات سوره‌ی ابراهیم است، مگي است؛ یعنی در آن وقتی که مسلمانها در اوج مبارزات و ایستادگی و مقاومت در مقابل جریان کفر قرار داشته‌اند، در آن وقت این آیات نازل شده است، به آنها مژده میدهد، به مردم میگوید که بدانید که خدای متعال ایام‌اللهی دارد، آن ایام‌الله را به شما نصیب خواهد کرد؛ باید شما شکرگزار ایام‌الله باشید. اگر واکنش درست و شاکرانه نشان دادید از آنچه که خدای متعال به شما داده است، خدای متعال به شما پیروزی‌های بیشتری را در آینده خواهد داد. همین چند نکته‌ای که در این آیه‌ی شریفه وجود دارد، موضوع صحبت ما امروز در خطبه‌ی اول است.<sup>۱</sup>



بخش هفتم

عواقب ترک مقاومت

## \* تشدید مشکلات در صورت دست کشیدن از مقاومت

بعضی‌ها هم بمجرد اینکه يك مشکلی برای کشور پیش می‌آید، فوراً شروع میکنند به ملامت کردن کسانی که استقامت کردند که: هان، دیدید، آدم وقتی این جور سر حرفش می‌ایستد، این مشکلات پیش می‌آید! در صدر اسلام هم بود دیگر: ﴿لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ فَادْرَءُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ﴾. خدای متعال اگر چنانچه بنا گذاشته باشد بر طبق سنت الهی حرکت نکنیم، خب، دچار مشکلات میشویم. این جور نیست که در جنگ بدر بگویند: «يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا» این جوری نیست قضیه که اگر چنانچه ما تسلیم شدیم در مقابل دشمن، آن وقت مشکلات ما برداشته خواهد شد، برطرف خواهد شد؛ نخیر. من واقعاً باید تشکر کنم از مسئولین کشور که در مقابله‌ی با دشمن حرف صریح میزنند؛ عدم انفعال ملت ایران را و عدم انفعال انقلاب را به زبان صریح بیان میکنند؛ این خیلی لازم است. این را باید ما به صورت گفتمان در بیاوریم؛ و این هم یکی از مسائل ما است!

## \* بازگشتن دوران ذلت در صورت عدم مقاومت ملت‌ها

وقتی ادبیات انقلابی امام را ملاحظه میکنید، می‌بینید تکیه‌ی اصلی بر روی ساخت درونی ملت است؛ احیای روح عزت، نه با تفاخر، نه با غرور، نه با به‌خودبستن، بلکه با استحکام ساخت درونی. آنچه که ما باید به آن توجه کنیم، این است که این یک کارِ مقطعی نیست؛ این یک کارِ مستمر است، یک کارِ ادامه‌دار است. ملت باید با عوامل رکود و ایستائی مقابله کند. عواملی وجود دارد که یک انسان پیشرو را، یک ملت پیشرو را متوقف میکند. بعضی از این عوامل در درون خود ماست؛ بعضی از این عوامل، تمهیدات دشمن است. اگر بخواهیم دچار رکود نشویم، دچار ذلت نشویم، دچار عقبگرد نشویم، دچار همان وضعیت دوزخِ قبل از انقلاب نشویم، باید حرکتمان متوقف نشود. اینجاست که با یک مفهومی به نام «پیشرفت» روبه‌رو میشویم. باید دائم پیشرفت کنیم. این عزت ملی، این استحکام درونی، این ساخت مستحکم، بایستی دائم در حال جلو رفتن باشد و ما را به پیشرفت برساند. این دهه به «دهه‌ی پیشرفت و عدالت» نامگذاری شده است. عدالت هم در دل پیشرفت است. پیشرفت، فقط پیشرفت در مظاهر مادی نیست؛ در همه‌ی ابعاد وجودی انسان است؛ که درونش آزادی هم هست، عدالت هم هست، اعتلای اخلاقی و معنوی هم هست؛ اینها همه در مفهوم پیشرفت هست. البته در آن، پیشرفت مادی، پیشرفت مظاهر زندگی، پیشرفت علمی هم وجود دارد. امام با آن حرکت خود، ما را در جاده‌ای قرار داد که باید در این

جاده پیش برویم. هرگونه توقف در این جاده، ما را به عقبگرد میرساند. ملتی که از حقیقت عزت برخوردار شده است و در جاده‌ی پیشرفت قرار گرفته است، اگر این نعمت را کفران کند، آن وقت مصداق این آیه‌ی شریفه میشود که: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كَفْرًا وَّاحْلَوْا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ. جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَّ بئس القرار﴾ دنیا دوباره دوزخ خواهد شد، زندگی دوباره تلخ خواهد شد. ملتها اگر ایستادگی نکنند و پیش نروند، دوباره همان سختی و سیاهی دوران ذلت بر سر آنها سایه افکن خواهد شد.<sup>۱</sup>

### \* ذلت؛ نتیجه ناشکری نسبت به نعمت مقاومت

حفظ نعمتهای الهی مشکل‌تر است از به دست آوردن نعمتها. به دست آوردن نعمت خدا - چه نعمتهای مادی و چه نعمتهای معنوی - یک کار است، اما حفظ این نعمتها و تداوم دادن به این نعمت، چندین کار است. بعد از آنکه خداوند متعال نعمتهای خودش را به فردی یا به ملتی عطا کرد و داد، یک تلاش و زحمتی لازم است برای حفظ این نعمتها؛ چه این نعمت، نعمت مادی باشد، مثل ثروت، مثل رفاه، مثل سلامتی و از این قبیل؛ و چه نعمت معنوی باشد، مثل عزت، مثل استقلال، مثل آزادی، مثل ایمان، مثل روحیه‌ی جهاد و مقاومت.

خیلی از ملتها را ما در تاریخ سراغ داریم که نعمت خدا شامل

۱. بیانات در مراسم بیست و سومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)

حال آنها شد، اما نتوانستند این نعمت را برای خودشان حفظ کنند. در قرآن بارها به بنی اسرائیل خطاب شده است که ما شما را بهترین خلایق قرار دادیم ﴿وَإِنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ اما همین بنی اسرائیل به خاطر ناشکری، به خاطر اینکه نتوانستند نعمت الهی را حفظ کنند، کارشان به جایی رسید که قرآن فرمود: ﴿ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ﴾ تاریخ ملت‌ها و تاریخ بشر پُر است از تجربه‌ی ملت‌هایی و افرادی که نعمت را به دست آوردند، اما نتوانستند آن را نگه دارند.

ما ملت ایران نعمت بزرگی را به دست آوردیم که عبارت بود از نعمت جمهوری اسلامی و حاکمیت دین و آزادی؛ آزادی از زورگویی قدرتهای بزرگ. یک روزی بود در این کشور که سفیر آمریکا و سفیر انگلیس با سران کشور ملاقات میکردند و سیاست خارجی را، سیاست نفتی را، سیاستهای اقتصادی را به آنها دیکته میکردند و خارج میشدند. روزی بر کشور ما گذشت در این صد سال اخیر -مخصوصاً در پنجاه شصت سال اخیر- که ملت ایران در سرنوشت خود و تعیین آن، کمترین قدرت و اراده‌ای نداشت. ملت ما را تحقیر کردند؛ استقلالش را گرفتند؛ دانشمندان را در این کشور از بین بردند؛ ریشه‌ی علم را و دانش را و پیشرفتهای مادی و معنوی را ضعیف کردند. ما به برکت اسلام توانستیم آن دوران سیاه را پایان بدهیم. ملت ایران آزاد شد، مستقل شد، عزت پیدا کرد، نام نیک در دنیا پیدا کرد، بر امور خود مسلط شد. امروز کشور متعلق به مردم است، دست مردم است، رئیس‌جمهور را مردم انتخاب میکنند، نمایندگان قانونگذار را خود مردم از قشرهای مستضعف و متوسط غالباً

انتخاب میکنند. خود این ملت توانستند با قدرت، با مقاومت، با توکل به خدا، با جمع شدن پشت سر یک انسان بزرگ و یک رهبر بی نظیر و با مبارزه و مجاهدت، خودشان را از آن وضعیت برسانند به این وضعیت. این نعمت خدا است؛ این خواست و اراده‌ی خدا بود. خداوند به ملت ما پاداش داد و بعد از مقاومتها و مبارزات و جان فشانی‌ها و فداکاری‌های زیاد، این عزت را، این استقلال را، این تدین را، این ایمان را، این نظام اسلامی را به آنها بخشید. و ملت ما توانست نظام خود را و کشور خود را در طول ده سال بسیار سخت حفظ کند و از گردنه‌های خطرناک -از جنگ تحمیلی هشت ساله، از توطئه‌ی آمریکا، از مبارزه‌ی دسته‌جمعی کشورهای عضو ناتو و از آزمایشهای بسیار و بسیار -عبور بدهد، نعمت الهی را حفظ کند و آن را از آسیب نگه دارد. عرض من این است که ما هر روزی، هر ساعتی در معرض یک امتحانیم. باید ملت ما با همان اراده‌ای که این نظام را در طول چند سال مبارزه به وجود آورد و در طول چند سال مبارزه و مقاومت حفظ کرد، در آینده هم با قدرت، با مقاومت، با مجاهدت، با آگاهی و هوشیاری، این نعمت بزرگ الهی را حفظ کند. ملت ما بحمدالله ملت هشیاری است. شاید کمتر ملتی را در دنیا بتوان نشان داد که سطح عمومی آگاهی سیاسی در آن، به قدر ملت ما باشد. بچه‌ها، نوجوان‌ها، پیرزن‌ها، روستایی‌های دوردست، همه‌ی قشرهای ملت، از مسائل سیاسی و از مسائل جهانی چیزهایی را میدانند، آگاهی‌های خوبی دارند؛ البته باید تقویت هم بشود. باید همین آگاهی‌ها و همین قدرت تحلیل، روزه‌روز بالا برود تا مردم در مقابل

حوادث بتوانند خودشان را حفظ کنند!

## \* آفت مقاومت؛ قانع شدن به دستاوردهای میانه راه

نکته‌ی مهمی وجود دارد، که آیه‌ی شریفه‌ی قرآن در سوره‌ی فتح درباره‌ی همین نکته است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَاثْمًا يُنْكثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسِيئَةٌ إِجْرًا عَظِيمًا﴾. وقتی یک ملت راهی را آغاز کرد، رسیدن به نتایج، احتیاج دارد به استقامت در آن راه، به پیشرفت در آن راه، به متوقف نشدن میان راه، به قانع نشدن به دستاوردهای میانه‌ی راه. یکی از آفات ما این است که تصور کنیم این مقداری که پیشرفت کردیم، نتایج نهائی است؛ همین جا توقف کنیم. آفت دیگر این است که تصور کنیم چون تا این دوره و در این مدت به هدفهای نهائی نرسیدیم، پس چراغ امید را در دل خودمان خاموش کنیم؛ فکر کنیم دیگر دسترسی نخواهیم داشت.

راهی که خداوند متعال و اسلام به ما می‌آموزد، این است: ﴿فَلِذَلِكَ فَادِعُ وَالْاِسْتِقْمَ كَمَا اَمَرْت وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَاءَهُمْ﴾. راهی را که شناختید، با دقت پیش بروید، قدمها را محکم و استوار بردارید و استقامت به خرج بدهید. اگر استقامت به خرج دادیم، آن وقت به اهداف عالی اسلامی خواهیم رسید؛ همان جامعه‌ی اسلامی‌ای که من چند روز قبل از این در کرمانشاه تصویر و تشریح کردم. آن عدالت، آن مردم‌سالاری به معنای واقعی

۱. در دیدار جمعی از مبارزان شیعه لبنان، گروهی از خانواده‌های معظم شهدا و

کلمه، آن کرامت انسانی، آن آزادی اسلامی، با پیشرفت ما،  
با قدمهای استوار ما، با خسته نشدن ما، با حفظ نور امید در  
دلهای ما، به توفیق الهی به دست همین جوانان تحقق پیدا  
خواهد کرد!

خدای متعال وعده‌ی قطعی کرده است که: ﴿إِنَّ  
الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ  
أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا﴾؛ استقامت در راه درست  
نتیجه‌اش این است که خدای متعال اندوه و  
ترس را از یک انسان و یک جامعه سلب می‌کند  
و موفقیت را نصیب آنها می‌کند.